



جلسه ۹۵

دوره هشتم تقنینیه

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

( بدون مذاکرات قبل از دستور )

جلسه یکشنبه ۱۹ تیرماه ۱۳۱۱ - ۵ ربیع الاول ۱۳۵۱

قیمت اشتراك سالانه داخله ۱۰۰۰ ریال نك شماره : يك ریال  
خارجه : ۲۰۰ ریال

مطبعه مجلس

۱۰۱۱۱

# تذکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۹ تیر ماه ۱۳۱۱ # (۵ ربیع الاول ۱۳۵۱)

## فهرست مذاکرات

- |   |   |
|---|---|
| (۱) تصویب صورت مجلس                                   | (۶) معرفی رئیس کل بلاغت                               |
| (۲) تقدیم یادنامه لایحه از طرف آقای وزیر پست و تلگراف | (۷) تقدیم یادنامه لایحه از طرف رئیس کل صناعت و ملاحات |
| (۳) معرفی معاون وزارت داخله                           | (۸) بقیه شور و تصویب لایحه اصلاح قانون انحصار تجارت   |
| (۴) تصویب چهار فقره برعکس                             | (۹) موافق جلسه بعد - ختم جلسه                         |
| (۵) شور کلیات لایحه اصلاح قانون انحصار تجارت          |   |

مجلس يك ساعت و سه و پنج قبل از ظهر براي است آقای دادگر تشکیل کردید

صورت مجلس روز سه شنبه چهاردهم تیر ماه را آقای مؤید احمدی (مثنی) قرائت نمودند ##

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (گفته شد - غیره) صورت مجلس تصویب شد. بنده يك توضیحی را شروع میدام باینستحضار آقایان برسام چون وضعیت مسکن امروزی ما خیلی طولانی است آقایانی که در عقب سر هستند شکایت میکنند که صدای ناطق آنها نرسد یا دو چیز میشود این کار را تصحیح کرد یکی اینکه آقایان ناطقین بلندتر صحبت بفرمایند دیگر اینکه آقایان هم که مؤخر هستند کمتر حرف بزنند (صحیح است)

### [ ۲ - تقدیم یادنامه لایحه از طرف آقای وزیر

پست و تلگراف ]

وزیر پست و تلگراف (آقای بهرامی) - يك تصدیق عرضی است برای وزارت پست و تلگراف از باب خارجي که پارسل کرده اند و امسال بایستی بپردازند درجه بودجه هزار و سیصد و یازده قید شده است و بتصویب کمیسیون محترم بودجه هم رسیده چون بایستی از طرف مجلس اجازه پرداختن داده شود لایحه با اتفاق آقای وزیر مالیه تنظیم شده تقدیم مجلس میگم

## عین مذاکرات مشروح نود و پنجمین جلسه از دوره هشتم تقنیه (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۰)

دائرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

## اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده: غائبین بالاجازه - آقایان: آشتیانی - دوحی - یزدانی

و کترضایی.

غائبین بی اجازه: - آقایان: تیمورتاش - دکتر احشام - مرتضی قلیخان یات - امیر دولتمانی - حاج حسین آقا، موسوی - کدخدایی - عبدالعزیز خان دیا - هراز - خواجوی - دیر - بهرامی - قوام  
دیر آمدگان بی اجازه: - آقایان: دوشی - دکتر امیر اعلم - اسدی - مسرودتانی - منتهدی .

۳- میرای معاین وزارت داخله | رئیس - آقای وزیر داخله

وزیر داخله (آقای منصور) - آقای میرزا علی اسفر خان زورین کفش را بهمدارست وزارت داخله معرفی میکنند چس از نایبندگان - بسیار خوب مبارک است.

۴- تصویب چهار فقره مرخصی | رئیس - چند فقره غیر از کیسیون عرایض و مرخصی رسیده است فرات میبود:

خبر مرخصی آقای حیدری

۱- نماینده محترم آقای حیدری برای رسیدگی با مورد عمل از تاریخ ۲۵ بر ماه ۱۳۱۹ تقاضای بیکامه مرخصی نموده اند که کیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آرا تقدیم میدارم

رئیس - اشکالی نیست (گفته شد - غیر) آقایان موافقتن قیام فرمایند

(اگر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

خبر مرخصی آقای محمد شایانی

۲- نماینده محترم آقای محمد شایانی برای رسیدگی با مورد حوزه انتخابیه تقاضای چهل روز مرخصی از تاریخ پنجم ارداد ۱۳۱۹ نموده اند که کیسیون با بیکامه از مدت مورد تقاضا موافق و اینک خبر آرا تقدیم میدارم

رئیس - آقایانیکه با مرخصی آقای محمد شایانی موافقت دارند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد.

خبر مرخصی آقای دهری

۳- نماینده محترم آقای دهری برای رسیدگی امور مجلسی از تاریخ ۱۰ ارداد ۱۳۱۹ تقاضای بیکامه مرخصی نموده اند - کیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آرا تقدیم میدارم

رئیس - اشکالی نیست. آقایان موافقتن قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

خبر مرخصی آقای امیر نیاورد

۴- نماینده محترم آقای امیر نیاورد از تاریخ حرکت برای رسیدگی با مورد عمل تقاضای دو ماه مرخصی نموده اند که کیسیون با بیکامه از مدت مورد تقاضا موافق و اینک خبر آرا تقدیم میدارم

رئیس - آقای دنیا

طباطبائی دینا

کیسیون عرایض و مرخصی یک تصدیق کرده بودند و آقای رئیس کیسیون هم در جلسه گذشته اینجا تذکر دادند که از روز حرکت با آقایان نمایندگان اجازه ندهند برای حقیقتاً آقایان کیسیون مرخصی بگیرند ولی اینجا برای آقای کلانی آمده اند از روز حرکت اجازه داده اند بنده عقیده دارم که همان تصدیق سابقشان بهتر است که روز حرکت معین باشد و الا روز حرکت معلوم نباشد ممکن است عده آقایانیکه میخواهند اجازه بگیرند معوق نباشد و اسباب اشکال بشود.

کلانی - رأی ندهید آقای

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی (رئیس کیسیون عرایض و مرخصی) - عرض کنم این تصدیق کیسیون که در جلسه قبل هم عرض کردم بنده بطور بود ولی آقای امیر نیاورد بطور قطع معلوم نیست که مسافرت کنند و بلاوجه حدصاب هم بقدری که لازم بود در کیسیون در نظر گرفته شده ایشان چون معلوم نیست که چه موقع مسافرت کنند شاید هم هیچ استفاده از این مسافرت نکنند باین جهت بود که تاریخ حرکتشان را ندانستند بطور قطع معین کنند و ایشان بطور استقامت برای اینکه شاید کار لازمی برایشان پیش بیاید تقاضا کردند و کیسیون موافقت کرد که از روز حرکت باشد و البته همان طوری که حضرت نمای فرمودند تصدیق کلی کیسیون این بود است ولی ایشان معلوم نیست که آیا مسافرت کنند یا غیر شاید هم اصلاحی استفاده نکرده و بهمان منظور کی که کیسیون دارد که حدصاب را در نظر بگیرد هیچ خللی وارد نمیشود

رئیس - آقایان که با مرخصی آقای امیر نیاورد موافقت دارند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. آقای رئیس کل تجارت

۵- طرح و تصویب لایحه اصلاح قانون انحصار تجارت | رئیس کل تجارت (آقای باستانی) - البته خاطر آقایان محرم مسیوق است که بکمال و چند ماه است از عمر قانون انحصار تجارت خارج میگذرد و دولت در نتیجه اجرائی بفرات مربوطه بآن یک تجدیداتی حاصل کرده است

اینطور معلوم گرد که اصلاحاتی در بعضی مواد آن بعمل بیاید باین قانونهایی که شاید از نقطه نظر تأمین معادله کماری مفید باشد و وضوحی هم برای ایجاد کنند این است که لایحه که قبلاً هم عرض فرمودم در مورد رسیده است تقدیم میشود و تقاضا میشود که بقصد دفع فوریت این را آقایان تصویب کنند (ساجیح است)

رئیس - لایحه هم در فرا کیسیون کاملاً فرات شده است و هم در مطبوعات آقایان ملاحظه فرمودند اند معذک لازم است بخوابم (نایبندگان - خبر) مذاکره در فوریت است. آقای دنیا

دنیا - موافقت

رئیس - آقای رهنما هم موافقتند؟

رهنما - بل

رئیس - آقایانیکه با فوریت موافقت دارند (دنیا - فوریت اول) قیام فرمایند

(اگر نایبندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد. فوریت ثانی مطرح است در آن هم اشکالی نیست. آقای آفسر فرمایشی دارید؟

آفسر - بنده موافقت خیال کردم مخالفی جهت اجازه خواستم که جواب بدهم

رئیس - آقایانیکه با فوریت ثانی موافقت دارند قیام فرمایند

(غالب نایبندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. مذاکره در کلیات است. ازین پیش

گفته شد آقایان که اجازه میخواهند بر خیزند چوت دیده نمیشود. آقای دنیا

طباطبائی دینا - قانون انحصار تجارت از قوانین خوب

و برجسته بود که از تصویب مجلس گذشتند و دولت هم اصلاً با تمام جهت این قانون را اجرا کرد ولی در واقع عمل بدینیه است چنانچه آقای رئیس کل تجارت هم مختصر فرمودند دولت در موقع عمل یک اشکالی در قانون سابق دید که قبلاً این قانونی که امروز تقدیم مجلس شد میتوان گفت که حقیقتاً نتیجه مطالعات عمیق است که دولت در این مدتی که قانون سابق در موقع عمل و اجرا بود ندرود و در نتیجه آن مطالعات دولت یک قانون جدیدی آورد و حقیقتاً آنچه هم بنده مطالعه کرده ام قانون خوبی است و امیدوارم که بعد از تصویب این قانون و اجرای آن آنچه مقصود و مرام دولت است بعمل بیاید و حقیقتاً مسائل اقتصادی کاملاً در اصلاح برود ولی بنده هم فخره سؤال داشتم از آقای رئیس کل تجارت بکنی از سؤال اول این بود که چند روز پیش در مطبوعات دیده شد که صادرات ما بر واردات ما زیاد است اینطور در مطبوعات میخواند که در سنه گذشته صادرات ما بر واردات ما زیاد بوده فکر میکردم اگر این طور است که صادرات ما بر واردات ما زیاد است و مسئله اسماء خارجی نمی بایست این ترتیب را پیش بگیرد اگر حقیقتاً صادرات ما بر واردات ما زیاد بوده میبایست در مملکت اسباب خارجی هم زیاد شود جهت اینکه با وجود اینکه صادرات بر واردات زیاد شده در مملکت هنوز اسماء خارجی یک صورت صحیحی تجزیه نکرده چست - این را میخواستم یک توضیحی میدهند بعد در واقع بنده بصدق صدور که حقیقتاً یک تغییر اساسی است نسبت باین قانون لا مح و قانون سابق در قانون سابق تصدیق صدور مشروط بشرط اسماء خارجی نبود یعنی از موقمی که تصدیق صدور صادر میشد از آن تاریخ این تصدیق صدور معتبر بود این بود که درازا باین قبضت پیدا کرده بود تصدیق صدور میبایست سدی بیست و پنج قبضت پیدا کرده بود هر روز هر کسی وارد میباید

قیمت صدیق صدور و میدهد بد بیست میکنند صدیق و پنج میکنند و بانظور معامله میدهد دولت الملاحظه گردند و در نظر گرفتن که این ترتیب صحیح نیست بنی حقیقه موجب شده که در بورس در بازار پیدا شده یک بورس و کسی که بانگام میبایدند و یک بورس میباید که مردم و دلایل در بازار میبایدند این حقیقه غیبی وضع و ترتیب بدی بود و یکی اسباب را راحتی تجار و بازارها بود صحیح که شخص وارد بازار میدهد تا بکلیش معلوم بود که امروز بورس چند است یک بورس میباید و دیگر بورس میباید این بود که دولت در این قانون لایحی یک تغییر اساسی داده اند آنچه بنده مطالبه کرده ام این است که صدیق صدور از تاریخ صدور معتبر نیست وقتی معتبر است که شخص صادر کننده اسعار خودی را هم بانگام فروخته یعنی بفروشد بعد ضمیمه کند آنچه فروخته است بصدیق صدور نا اینصکه یک واریج داشته باشد و الا از روز تاریخ صدور صدیق معتبر نیست صدیق صدور وقتی معتبر است که این شخصی که صادر کننده است اسعار خارجی را بانگام فروخته باشد این ترتیب بنظر بنده غیبی خوب است از یک جهت که دیگر کلی بورس سیاه را موقوف میکند ولی یک غیبی بنظر بنده هست و آن این است که این برای اشخاصی که پول حاضر دارند غیبی خوب است بنده صادر کننده پول حاضر دارم یک مالدار را منتظر فروش میباشم تا وقت تقابل او اسعار خارجی خود را بانگام بفروشم تا وقت مال دار میبندم ولی یک اشخاصی که پول حاضر ندارند و هم پول بوده است بر گرفته اند معامله میکردم و اند در خارج و فی الحال و پول حاضر ندارند برای آنها این ترتیب غیبی مشکل است این یک غیبی است که بنظر بنده میباشد خوب است آقای ولی کل تجارت یک توضیحی در این باب بدهند و بدهم یک خوب دیگری بنظر بنده میباشد و آن این است که این ترتیب وفق معتبر باشد که اسعار خارجی را صادر کنندم بانگام فروخته باشد این موجب است که صادرات ما غیبی از آن بفروشی پرسد شخص صادر کننده وقتی که مجبور است بانگام بوزن او اسعار خارجی خودی را

بفروشد بانگام بخرود مجبور است آنچه می برد بود بفروشی برساند و با قیمت ارزان در قانون سابق اینطور بود میباید در خارج نگاه می داشتند یک تهری می داشت بعد بنگام می داشت و بفروشی بر پشت ولی حالا که شخصی مجبور است در مقابل آنچه که صادر کرده بانگام اسعار خارجی بفروشد این حقیقه موجب خواهد شد که صادر کننده آنچه را صادر کرده ببرد در خارج بلیت ارزان بفروشد این هم یک غیبی است بنظر بنده میباشد خوب است یک توضیحی بدهند این دو سوال را بنده داشتم خواستم عرض برسم آقای ولی کل تجارت یک توضیحی بدهند یک سوال دیگر هم داشتم که در این قانون مودات باز است همان اسعار خارجی را این ترتیبی که عرض کردم در صورتیکه جواز صدور عمومی معتبر است که اسعار خارجی را بانگامی صادر کننده بفروشد دیگر تموم اسعار خارجی لازم نیست در صورتیکه تموم اسعار خارجی که در قانون سابق بود در قانون لایحی هم باز هست جهت اینصکه باز این را گذاشته اند چیست.

**ولیس تجارت -** موضوع اولی که آقای فروردی راجع باین بود که با وجود معامله صادرات واردات با امتیاز صادرات بر واردات چطور است که بعد بلیت در اسعار حاصل شده این بلیت صکه آقای فروردی اتفاقاً غیبی از آقایانم متوجه بان هستند و در خارج هم مذاکره شد ولی باید دید که با وجود اینکه صادرات ما درست نگفته مزیت مختصری داشته است و واردات در حدود دو میلیون و خورده چطور شده است که با احتیاجات آسمازی سر جای خودش هست چه جهت دارد اولاً که در تقویم های کردی یک چیز هالی است که ما در ایندو قسمی که لایحه تقدیم شده است و میباشد اسامح شود و شاید بکنتم منظور نظر دولت در اصلاح قانون بطرف فعلی موتم صدیق است که حالا میخواهم عرض کنم مطلب را باید باز عرض کرد بلکه قسمت اشکل کار در این بود است که در کار کتخانه ما تقویم مال تجارت هالی صدوری چندین مدتی حقیقت بمعدل نیامده و حالا یعنی موارد هم

در هر کتخانه های کوچک خلاف ترتیب هالی را مرتکب میشوند باغیانی میباید اصلاح بدون اینکه صدوری شده باشد صدیق صدور داده میشود و برای اینکه صدیق صدور در بازار حکم اسکناس را پیدا کرده و قابل خرید و فروش است و قیمت دارد و یک ورقه بهاداری است غیبی تقابلی و اعتراضی از وازین و از رات قانونی مشکل نبود برای متصدیان کار بانست که غیبی نمیدهند مملکت شوم بنظر هالی که در کرک میباید و زانیه و فتیکه گفته میشود دست در میبازین و خورده ما صادرات داشتن در سنه گذشته با در وقتیکه کنتان و سهمیه ۱۳۱۶ را نوشتم و حساب مبادرت سنه قبل را میکردیم مظهری که در واقع تقویم در وجه خارجش را مقابله میکند با عوایدی که در سنه گذشته وصول شده است ما احتیاطاً در حدود پنجاه و سه میلیون سهمیه ۱۳۱۶ نیز کردم دولت این نظر را برای چه اتخاذ کرد برای اینکه سهمیه چهار میلیون آن شاید مربوط شود بظاوت تقویم ها و چیزهای دیگر - موضوع دوم مسئله فروش و رقتن یک قسمت از اجناس صدوری است درست است که چش صادر کرده است از مملکت و از سرحد خارج شده جواز هم داده شده است در مقابل صدوری که صورتی بمعدل آمده است و هنوز بصورت اسعار در نیامده است صدیق صدور را آورده اند جواز گرفته اند مال التجاره هم وارد کرده اند که اسعار بخوانند و اسعار آنهم از اجزاهالی مادم بمعدل و سلک است اسمازی که بمصرف وارداتی رسیده است که جواز آن منتظر صدیق صدور بوده است مال التجاره مشروط بان صدیق صدور بود و مواجرتش بفروش رفته یعنی هنوز قوه اسمازی مملکت مبادل شده است باندازه که قوه دریافت و پرداختش یکی بشود یعنی همان اندازه که میخواهد برای واردات بدهد همان اندازه از صادرات تحصیل نموده است که با آن اسمازی اسمازی بدست بیاید هر وقت صادرات بفروشی رسید این اسمازی تحصیل میشود ولی تأخیر میشود وارد کنندگان مظهر منظور فروش اجناس صدوری نمیشدند. در این تقویم بی بی شده ترتیبی که هر دو عیب اصلاح میکند

عیب اولی را که اصلاح میکند برای اینکه صدیق صدور مانع نسبت از یک کسی که در هزار تومان چش صادر کرد صدیق صدور و بیست هزار تومان خواست بگیرد و قبل از این قانون وقت بعد این لایحه منطبق داشت برای اینکه صدویست هزار تومان بمواست چش بیابود ولی با این لایحه و با این قانون صد هزار تومان را شاید نود هزار تومان تقویم کند برای اینکه حساب جدول اسمازی را بکنند که این چش چقدر در بازار خارجش بفروشی پرسد و اسمازی بدست میآید پس آهراً تقویم درست خواهد شد و تاجر منافع ندارد که قیمت را زیاد بکنند زیرا که کمبود گرفته اند از شی. پس جواب قسمت اسمازی هم این گرفته خواهد بود

میباید که تموم اسمازی هم لازم است برای اینکه اگر تموم اسمازی نگامیم و خارج صادر کننده بیکر اینکه یک نهدی نداده که آن نهد را انجام بدهد باز ممکن است که تقویم را صورتاً زیاد کند که خوب صدیق صدوری میگیریم و بیک کس دیگری میفروشیم خودش برود اسمازی پیدا کند ما هم که تموم اسمازی نداریم ولی وقتیکه تموم اسمازی داشت در فکر این است که تموم باید انجام شود پس چرا در موقع صدور من چش را دروغی زیاد قیمت کنیم بعد گرفتار شوم به تعقیبات جزائی آهراً نتیجه درست میشود و لایحه خوب حاصل میشود تقویم زیادی تقویم و باین لایحه ابتدا قیمت دومی که عرض کردم عیب دومی که در نظر است آنچه اصلاح میشود چرا برای اینکه با وضع فعلی هر کس صادر کرد صرف صدور و خارج مال التجاره از سرحد مملکت مجبور بود برسد بدون اینکه بتموم اسمازی که باید بمصرف ورود برسد از کجا آمده و کجا تا بین شده ولی با این لایحه با این مواد اطمینان حاصل است که اسمازی که قبلاً نشان و ارائه داده شده و بانگام فروخته شده است این چش وارد خواهد شد لذا این نگاری که قبلاً هست که چش ها فروش رفته و یک وارداتی میشود هنوز اسمازی بدست نیامده و باید یک اسمازی داد این نگاری رفع میشود و

ممکن است يك پذيری از واردات تاخير شود برای اینکه بايد منتظر شد که صادرات بفرش برسد و اسامار و انتقال بينانگها ، بدوگک پيدا کند بحد جواز بکيرد ولی در ضمن چون در نظر دارد دولت که نویت و موعد جواز را از بين ببرد و ملهي کند تصور میکنم که يك قبمت انچه موقوف شوند بيک واردات زودتری در انصورت آن قبمت مضيقة واردات هم از طريق ديگر تدارک ميشود پس دو علت عرض کردم يکی تقويم هالي که چندان بر خلاف حقيقت بوده است دومي عدم فروش صادرات ايها باعث شده است که در ازاي آن تا فروش رفتن صادرات با قيمتهائي که در ورقه هاي تصديق صدور هست که شايد اساسي نداشته باشد يك جواز هائي داده شده که اسامار ميخواسته است و البته معادله نديکند اما عيب اساسي اين نديست اين تفاوت هست تفاوت مختصر است عيب اساسي در چند جيز است که بايد برتريبات ديگر جواگيری شود يکی مسئله قاچاق است بالاخره اجناس ورودی قاچاق اسامار پيدا میکنند هر قدر ما تجارت متروخ را عمود کنیم که معادله اش محفوظ بماند اسامار حاصله از صادرات بخود واردات برسد و يك مراقبت هئي بيشتری بشود باز قاچاقچي هالي که جنس وارد میکنند محتاج باسمار هستند خود احتياج آنها باسمار نقاشا را که زياد کرد قبمت اسامار را بالا ببرد حالا شايد از نقطه نظر اسمار جايگ اسمار در ظرف سال يك نفع هائي قاچاقی قبمت ولی از نقطه نظر فشار و تقاضا و عجله اسمار را بالا ببرد اگر يك کسی که خواهان يك جنسي باشد اسمار هم يك نوع جنسي است قریباً اگر عجله داشته باشد در خریدش فروخته قهرماً با مسئله قبمت را بالا ببرد و يك چنانچه خبر با لايدی بخواد معادله قهرماً ارزانتر ميآورند تحميل کند ولی چون قاچاقچي ها از نظر خودشان علاوه مندند اسرار دارند که هر چه زودتر يك اسماري بدست بياورند و هر چه زودتر اجناسشان را وارد بکنند اين است که بهر قيمتي هست اين کار را میکنند و مادامي که آن لايحه و

آن قانونی که قبلاً تصويب فرموده بود راجع بينگه از قبيل در داخله جواگيری بشود و يك مراقبت هائي ديگر يدي قاچاق و جواگيری از آن ندهد است خيلي مشکل است بشود آن اسماري که مورد احتياج قاچاقچيان است يك فکری بشود که باصلاح اين احتياج سلب شود برای اینکه احتياج باسماست . بلك موضوع ديگر يفرموده که بورس سپاه و مقيد ترتيب خوبی بود البته دولت موافق نيست که ترتيب خوسي بود ولی بنده اينجا برای پيش بينی سرميخا عرض میکنم که با اين قانون با اين لايحه هم دولت امپاتيان کامل ندارد که از بورس سپاه بمان هست جواگيری شود بهمني نام و تمام چرا ؟ برای اینکه دولت متوجه است بتعديل اسمار تجاري ميشود دولت ميخواهد اسمار حاصله از صادرات بصرف جيز ديگر رسد صرفاً بصرف واردات برسد بهمين جهت در يکی از موارد اين لايحه پيش بينی شده است نرخ رسمي اسمار تجاري معين ميشود و تثبيت ميشود ولی نرخ اسمار متفرقه بته است بقضا يقي در آن به دولت بيند اگر مقتضی بود يك نرخي معين بکنند و اگر نه آزاد بکنند البته احتياجات ديگر هست که خيلي زياد هست اقدامش زياد است ارفايش زياد است و در مد نظر آقایان هست ايها هيج مربوط باسمار تجاري نيست اهتمام دولت هم در اين است که احتياجيات مردم باسمار غير تجاري دست اندازي باسمار تجاري نکند آن احتياجيات برود راه هاي ديگر ي پيدا کند بالاخره اگر کسی مريض دارد در اروپا حمل ميرود با اروپا در خارج يك مستخدمی در خدمت دولت حقوق را باسمار خارجي ميخواهد انتقال بدهد بخارج به باعرض ميشود احتياجيات ستمی که هست که دولت ميخواهد . اسمارش را تأمين کند اينها فکر اسمار کند از طريق ديگر از حساب اسمار تجاري ميشود اسمار حاصله از صادرات ايها نيستند اسمار استفاده کنند قهرماً پس يك احتياجيات ديگر ي هست و ميشود امپاتيان داشت که در آن به بورس سپاه باشد و دولت هم نديخواهد

نيست آن قبمت اسمار را کرده باشد عجانة دولت نظرش اين است که اسمار حاصله از صادرات را تصديق بدهد به واردات واردات متروخ اسمارش از صادرات باشد اين هم که فرموديد برای تجاري که پول ندارند عرض ميشود ثابت نوسه در زندگي تجار بديشان نيست برای آنها مشکل است اسماري تحميل کنند ما هم تصديق میکنيم ولی بالاخره تاجر ده رقم است يك تجاري است که معاملاتش در سال يك مليون است يك تجاري است که معاملاتش يك صد هزار تومان است يك تجاري است پنجاه هزار تومان است يکی ده هزار تومان است اين يك مليونی با اين ده هزار توماني تفاوت دارد انواع اقسام تفاوت دارند هيج قانونی و هيج حکومتي ميتواند اين تفاوت ها را بر هم بزند بالاخره تا يك مليونی است مليونی است آثار خود را دارد آنان هم ميتوانند باسمار را بياورند ميدهد با آنکه ده هزار تومانش را ميتواند بياورد بدهد يك تفاوت هائي دارند که ميشود با يك قوانين و نظامي تأمين کرد که اين تفاوت نباشد . يك موضوع ديگر فرمودند که صادر کنندگان مجبورند که تند تند مال التجاره شان را ارزانش بفروشند عرض کنم صادر کنندگان دو چورند اگر باصلاح از اول حليب نوي ديک بخوانند بپزند برای عثمی واردات مجبور هستند که تند زودتر در چشمان را بفروشند بنده هم تصديق میکنم ولی ما که همچو اقنامي نميکنيم و دولت مجبور نيکند و نديکويد جنس صدوريت را زود بفروشي بده و چون زياد بايد بفروشي برساني چون سرعت بايد بفروشي ارزان تر بده بر عکس بويج قانونی که هنوز معتبر است مدت تصديق اسماري هست اما بود در اين قانون بيکال شده پس مهلت هم که بيشتر شده عرض شود از طرف دولت مهلت بيشتری داده ميشود بصادر کنندگان منتسبی باک انضمامي عجله دارند که جنس وارد کنند و منفعت بيشتری ببرد در آن قسمت ضرر ميشکند در هر صورت چاره

بفرماید که نهاد اسماری هم سر جایش باشد با سایر قسمت هایش هم که اصولاً موافقت.

پس - آقای رهنا .  
همنما - آقای رئیس بک تذکره فرمودند . . . (جمعی از نمایندگان - بلند تر صحبت کنید) راجع همان است میخوام عرض کنم . . . . .  
آن وقت رئیس تذکره فرمودند که دو رعایت باید بود تا بالاخره مطلب افراد برای هم دیگر مکشوف باشد ، و جزو اسرار نباشد و این آن است که ناطق بلند تر حرف بزند و رفاها هم کمتر . . . . . حالا بنده سعی میکنم بیوت خودم این رعایت را بکنم رفاها هم مواظت بفرمایند یعنی در کتورت صحبت نکنند . بنده با این لایحه که دویب در فرا کسیون تصویب شده و امروز به مجلس آمده عظیم مخالفت بنده در روی یک اصل است که نباید قسمتی از نمایندگان خودشان متوجه هستند و شاید خود دولت هم متوجه این قسمت باشد ولی بچاره بنظر بنده نرسیده با چاره در عمل میخوانند پیدا کنند . قانون تجارت اولاً باید ببینیم برای چه پیدا شده است در ایران قانون تجارت چرا برپوچد آمد . قانون تجارت در نتیجه ترفی اسمار خارجی که از چهار تومان و هشت قران که شروع کرد بیلا رفتن به پنجتومان و شش تومان و هفت تومان رسید صدا آفتابان تجاری که نهاد کرده بودند لایحه بپردازند بلند شد و دولت هم مداخله کرد قانون انحصار تجارت پیش آمد فوری این اصل بوده اتفاقاً خوب فکری هم شد باین معنی که گفتند ما اگر چه از نقطه نظر اسمار متوجه این قضیه شدیم برای اینکه قبل از ترفی اسمار قانون تجارت نبود این فکر هم نبود این لایحه هم نبود برای اینکه اساساً قانون تجارت خوب چیزی است حقیقتاً هم اینطور بود چرا برای اینکه تنظیم این قانون تجارت گذشته از مسئله جادرات متوجه شد باین مسئله اساسی و آن مسئله اساسی عبارت بود از تنویق منابع و مؤسسات داخلی تا اینجا بسیار خوب . قانون تجارت جلو اسمار را نگرفت (دکتر طاهری - قانون انحصار تجارت) بل قانون انحصار تجارت جلو اسمار

را نگرفت یعنی تنزل با اسمار نداد و تنوانست این کار را انجام بدهد دلش هم خیل و واضح بود اول در عمل مشاهده کردید که دولت ، بانکا قیمتی برای اسمار خارجی معین کردند در مقابلش یک بورس سپاه بود بازار تشکیل بد بانک مینفروخت شش تومان او فروخت نه تومان بانک می فروخت نه تومان او مینفروخت دوازده تومان بانک میکرد دوازده تومان آنها میکردند هجده تومان بالاخره یک چیزی بود که باز چاره نبود برای اینکه فقط یک چیزهای آمد یک محکومتهای زیادی البته چریبه و حبس برای یک عده نوشته شد برای اینکه قانچاق میکرد ولی از نقطه نظر اجتماعی البته ما باید ببینیم که آیا ما باید مجال بدهیم که جنس قانچاق شود و ما اینجا را حبس کنیم این یک مرحله ایست که باز حقیقت از نقطه نظر مسائل اجتماعی و اساس زندگی باید فکر کرد در شش مثلا قانون تریاک میآوریم و در عمل طوری بد درست میکنیم که هر کسی میشود قانچاقی آتوقند خود خوالدهد نخود قانچاق دوازده حبس پنج نخود قانچاق ۱۰ روز حبس شد نخود قانچاق ۱۰ آفتند حبس بخورد لایحه چه؟ اینرا . . . . . ممکن است یک فکر دیگر برایش ایجاد کنیم که این حرفها و توجیههای فردی و اجتماعی هم در جامعه پیدا نشود بالاخره حبس وقتی عسویت پیدا کند دیگر چیز مهمی نیست باید حتی المقدور این قبیل مسائل کم بشود دوسایر ممالک ، در سوئیس در تمام عاکنش می بینید که عداری آنها خیلی کم است در ایران که میرسد از دیوار مشترک گرفته تا آب ابار و شیر و یا کند دعوی دارند برای اینکه ما متوجه اصل کار و اصل زندگانی خود مان نتسبیم بنده در این قسمت خواستم این را تذکر بدهم که قانون انحصار تجارت از آنجا که کلک بگذارند مملکت و همین نیت دولت است این بسیار خوب است از آنجا که میخوانیم تجاوز بکنیم باید بگذردی فکر کنیم حقیقتاً باید فکر کنیم برای اینکه کم کم نفس غرض خواهد شد . در اینجا وقتیکه ما مذاکره میکنیم البته طرز مذاکره خیل دور نماند است و خیل جمل داریم روشن شود آقای

وزیر علیه هم یاد داشت میفرماید بسیار خوب یادداشت ماینان هم خیل دقیق است ولی خواهش میکنم متذکر باشید که قانع بکنند ما را و البته این کار را در عمل میکنند و محتاج نیست که ما مجدداً اجازه بگیریم ، دلا بلانرا میسوط تر و بسط تر بفرماید که ما واقعاً قانع شویم عظیم پیدا کنیم کذوبیکون (Conviction) پیدا میکنیم که در دادگاه است . در اینجا یک فرق مهمی که دارد با قانون پیش این است که سابق بر این تصدیق صدور را میدادند و مینفروختند و در مقابلش هشت ماه نهاد اسماری داشتند که اگر نهاد اسماریش را اجرا کنند مطابق قانون چه میشود حالا این تصدیق صدور را میگوید باید با سوسر ضمیمه باشد اینطور است دیگر یعنی اگر کسی یک مقدار کثیرا خارج کند باینسوی میر کند فروش برود اسمارش را بیاورد بیانک بدهد تا تصدیق صدورش قیمت پیدا کنند این است دیگر بنده . . . . . بدانم که این متشرتهای دست بنقد این که هر هفت که فوری دلار و طلا را درویش ما برای ما این چیزها هست که فوری دلار و طلا را درویش بگذارند هست آقا واقعا پانه . بنده میخوانم این سؤال را بکنم باین جهت که ما مال التجاره را برنده نیورک با رن فوری اسمار خارجی را بگذارند آن مال التجاره را برند ؟ آن مال التجاره که ما اینطور میبندیم و میبندیم و اینطور زحمت میکنند دولت که حسن شهرتش را حفظ کند ما میاوریم بیک سوئی که اگر مشتری ببیند اصلاً فرار میکند آقا شما میفرماید اسمار را کجا تحصیل کند ؟ میفرماید بنده واقعا این را میخوانم سؤال کنم اینرا که ما تحقیق کرده ایم در انبارهای اروپا با امریکا چقدر مال التجاره های شما هنوز فروش ترفته است ؟ در اردب که رایه میدهند اینها را بنده واقعا خواستم ببینم چقدر نکلر است در سوویتیکه از خارجه بک مال التجاره حالی میاید اینجا که شاید خیلی مورد احتیاج باشد از نقطه نظر احتیاج فتننی که خیلی مهمتر از احتیاجات دیگر است با وجود این میاید اینجا سالها میماند آتوقند ما چطور

میخوانیم مال التجاره بیریم آقا ویزودی بفروش برسانیم آقای یاسانی اینجا تذکره دادند که شاید بنده متوجه شدم حالا بیتر میگویم خوششان تصدیق میکنند یا میگویند اینطور است در مسئله قانچاق فرمودند اگر ما نهاد اسماری بگیریم و این اسمار را با صدیق صدور مطالبه نکنیم کمک میشود به قانچاق . اینطور فرمودند عرض کنم آقا قانچاق اصلاً یک داستان علیجده است هر مالی را وقتی بی تناسب بیش تحمیل کردید و بی اندازه مرغوب شد او قانچاق میشود حالا مردم طالارا چرا بر میاورند قانچاق میکنند برای اینکه قیمت دارد . مردم که بر میدارد شکر را از سرحد میاورد اینجا قانچاق میکنند بنده شنیدم که در سه فرسخی چهار فرسخی قانچاق پیدا کنی از خوب است دولت تحقیق کند بنده اینطور شنیده ام قند را در چهار فرسخی کرمانشاه هفت قران میفروشد در خود کرمانشاه چند میفروشد بیست قران با بیست و دو قران طبعیه این برای آن آدم بیکلری که کار ندارد اصلاً صرف میکنند که با شود برود بین بهترین از ششکوه دونا کبسه بیندازد کولش بردارد بیاورد کرمانشاه بفروشد پس این قسمت قانچاق مربوط باین قضیه نیست شما با قانچاق در این سرحدات وسیع چه میتوانست بکنید تازه اینهم بگوید باز کار دیگر میکنند میروند سرمایه فروش میکنند جواهر میبخرند و هزار درد بیداران که در این مملکت هست و نمیشود کفایت میکنند جور دیگر قانچاق میکنند بنابراین بنده میخوانم اینرا عرض کنم که اگر ما تحقیق کنیم و خود آقای رئیس تجارت لاید اینقسمت را اطلاع دارند ما دوسه چیز را باید بدانیم اولاً محمول ایران کثیرات و قلی و عرض کنم بنده و این قبیل چیزها . در حال حاضر نسبت به مسائل قبل با دوسال قبل در بازارهای دبا تنزل کرده با ترقی ( و بشوهری - تنزل کرده ) متخترش بیشتر شده با کتر ؟ خواهش میکنم این سؤال ما را خیلی با دقت جواب بدهند . کثیرات قلی همین صادراتی که ما داریم صادرات مهم متشاقنه غیر از آنها که نداریم آنها در بازار نیورک با بدن هر کجا که هست به موجب اطلاعاتی

که از نمایندگان دارند نسبت به سه سال قبل ترفی کرده با نازل اگر نازل کرده نازل آنها بچه نسبت است مثلاً بنده شنیدم که کثرتاً سابقاً هفده من و نهب سی یونید بود نازل کرده بودند چقدر بود؟ از سه یزده یونید و این مسئله هم آیا صحیح است یا نه بنده اینرا میخواستم سؤال کنم (وزیر عدلیه بگفتند دیگر بفرمایید) کثیراً سابقاً نسبتاً بود سی یونید تا اخیراً آن نزدیک سی یزده یونید باشد چنانچه در باخیل ترفی بخواهم بکنم بازده یونید صفتیست شد است این صحیح است یا نه؟ دیگر استلال و فضاحت بنده بخواهم فقط بخواهم بگویند آرد یا نه (رئیس کل تجارت - صحیح است ولی همه اجناس اینطور نیست) حالا آن اجناسی که ترفی کرده بفرمایند هرگز آن نه بگویند (رئیس کل تجارت - بلی) این قدر؟ (رئیس کل تجارت - اما خشک بار در برابر) بله حالا این را خواهش میکنم و رعایت تریبون بفرمایند در برابر آقوت ما قبول میکنم. اینها را مقایسه کنیم از روی قیمت ترفی از روی قیمت و ضمانت اقتضای دنیا آقوت بیاییم به فروش آن تمام صاحبانمان درست است آقوت بگوئیم صدیق صدور بلام اسمار هم همراهش باشد و با بقصد بنده اگر بخواهم این قضیه را در تحت فشار بیآورم همان مقصود بلندی هم که خود دولت دارو از قانون انحصار تجارت در عمل ممکن است به بنیدب نقض شده و آن چیست؟ و آن این است که صادرات هم سده نمورد و اگر صادر بکنند بیک شکل اجنبیاتی که اگر سال قبل صد هزار تومان صادر میکرد حالا پنجاه هزار تومان صادر کند والا بیاییم نقض غرض کنیم و بیک مقصود بلندی از آن گرفته ایم که از نقطه اسمار از نقطه نظر اسمار خیلی چیزها پیدا کرده است این از نقطه نظر انحصار تجارت ما بیاید چیزها پیدا کرده ایم که آقوتی که آقای وزیر عدلیه بد میگویند من حالا عرض میکنم و مؤسسات پیدا کردیم کارخانه جوواب پیدا کردیم کارخانه نخ نیویا پیدا کردیم بنده همه اینها را عرض میکنم اینها مرست اما اسمار را درست نکردیم حالا بیاییم این کارخانه را حفظ کنیم

یعنی با این قانون باری که به محصولات مؤسسات داخلی ما سده وارد نیارود اگر این فکر را واقعاً دولت نماینده کرده و در عدل بانها سده نمیخورد بنده هم قبول میکنم برای اینکه فقط نقطه نظر این است که ما حالا جلو واردات را گرفته ایم هر بیجلی که از اروپا بیاید یا میبوشیم یا نمی بوشیم اینها گذشت حالا عرض میکنم بیک کسی بگم ماسی دارد بیرون خوب نمیبوشد کسی میبوشد این را بخوشش تحویل میکنند چنانکه حالا اولاً آن قضیه در از دست نرود اولاً آن کاسب بدبخت آن خشکبار فروشنده آن کثیراً فروشنده او از بین رود که فلان و فیلان متفرعن بنده که ملاحظه کرد که فلان کفتر را میبوشد و حالا نمیبوشد افلا نگاه کند دلش خوش باشد که بگم عاقله ایرانی خوشوقت است از این کار حالا اگر دولت حقیقتاً این فکر را ناپسند کرده که مطمئن است که فروش مالالتجاره در اروپا بهتر از سابق شده متعجباً سریعتر است پولش نقد تر است قیمتش زیاد تر است که نماند میکند این قضیه را بنده هم موافق این نظر را البته بنده هم موافق قبولی اگر این نظر قابل تردید است و میگویند که میان پنجاه قلم صادرات کل قلمش بقول آقای رئیس کل تجارت پنجاه خشکبار ترفی کردیم بقیه نازل کرده اگر اینطور است صدیق بفرمایید قضیه قابل بحث است حالا بنده بخواهم آقای وزیر عدلیه این توضیح را بدهند و الا با تمام آواز مقید بیکه با عظمتی که در این قانون هست و بنده موافق (آن قسمتها را میفرمایند) این قسمت را بفرمایند که آیا تفاوت قطعی از روی رقم پیدا شده یا نه.

**وزیر عدلیه (آقای دارو) -** البته مسائل اقتصادی از برای همه ماها بیک مسائل سبب تازه است و تازه بانها ما توجه میکنیم خیلی هم طبیعی است که اشتباه کنیم در این قبیل مسائل ولی حقیقتاً بنده اشتباه در جزئیات اشخاصی که خواننده محترم فرمودند اصلاً تصور نمیکنم که کرده باشد و اصلاً بنده فرض نمیکنم بکنم که بیک کسی آن هم آقای رهنما که بیک شخصی هستند دارای اطلاعات

زیاد و اهل منافع هستند باینند مقدمه بیک قضیه را قبول بکنند و شبیه آن را نمی کنند حالا من اگر این را برای شما تشریح کردم بطوریکه اصافاً قانع شدید آقوت گمان میکنم حق داشته باشم که این حرفی را که در اینجا زدیم که اشتباه باین بزرگی را از شما انتظار نداشته باشیم. خیلی عذر میخواهم که مسئله را هم برای عرض کنم. از اینجا بگیرم برای اینکه اگر بخورم و میبوشد کلیات باطلیه میبوشد آن حرفها را زد تا آخر. آقا میفرمایند که قانون انحصار تجارت برای ترفی اسمار کاری بکرده برای چه؟ برای این بود که آقوت هفت تومان بود بعد شده ده تومان بعد بازده تومان اصل اشتغالشان این است هیچ فکری نمیکنند که باید این فکر را میکردند که اگر قانون انحصار تجارت باید این مثل را هم بزنم کرچه وقتان گرفته می شود ظلم میباید وقتی بنده در اروپا بودم در سر بیک از بیرون بیک کسی هم در سر منیز دیگر غنا میبورد و آب تقریباً جوشیده برای من آوردند بنده برسیدم از کسی که این از برای چه آب جوشیده میخورد خیل قشرش زیاد بود گفتند برای اینکه چاق نشود گفتیم اینکه باین چاقی است گفتند اگر نخورد بود میدیدید چه میشد آقا همین دلیل را می آورند که او می آورد پس از این مقدمه میرویم سر شبیه آقوت قیمت اسمار را از آقا سؤال میکنم همانطور که شما از من سؤال فرمودید قیمت اسمار بسته به چیست قیمت اسمار را قطع دارم که الت بای مسئله است و آقا هم خوب میدانید خواهید گفت عبارت است در درجه اول از تفاوتی که بین طلب های ما و وارداتک خارج و بعضی اها ما بمالک خارج صادرات از بیک طرف و از طرف دیگر بسته است به جنس پول. این در عامل است که قیمت اسمار بیک مملکت و افرق میدهد اما مسئله اول چون گمان میکنم بقدری دیگر

گفته شده است که هیچ محتاج توضیح نیست بنده فقط اشاره بآن میکنم و رد میشود یعنی مسئله تبادل هر قدر محکم تر باشد البته قیمت اسمار ثابت تر است اگر نماند بنده عرض میفرمایم بیشتر از طلب مالکین استخراج در این طبیعتاً قیمت اسمار خارج ترفی میکند مملکتی که فرض کنید بایستی پنجاه ملیون لیره به خارج بدهد و بده کار است و بعد انفراد آن مملکت شست میبایون لیره از خارج طلبکار هستند همیشه ده ملیون دارائی برای اینها باقی میماند همین جوجه آن اشخاص که اسمار دارند میخواستند بفروشد قیمت اسمار باین می آید و بالعکس قیمت اسمار بالا می رود اگر این را قبول بفرمایند پس هر وقت ما موفق شویم که صادرات را زیاد بکنیم و واردات را کم بکنیم در قیمت اسمار تأثیر می کند این قبول است یا نه؟ (رهنما - بلی) خوب در این صورت خود شما قبول میکنید که بگم آقا من تصدیق میکنم قانون انحصار تجارت جلو گیری کرده است از بیک قسمت از واردات که سابقاً وارد مملکت می شد و بیک قسمت جنس هم بیشتر صادر میشود اما با این همه با قانون انحصار تجارت ترفی اسمار کاری نکرده است این را دیگر نمیدانم چه باید گفت؟ بنده نمیدانم میکنم. اشما خودتان وقتی که آن مقدمه را تصدیق کردید که اگر بنا باشد بیشتر جنس صادر کردید و کمتر وارد کردید آقوت اینکه از راه اسمار بیع مملکت کار میکنند نمیتوانید قبول ندانسته باشید. ممکن نیست کسی این را انکار کند؛ خودتان تصدیق فرمودید آقوت با وجود این حال شما بطور میگویند یا اینکه راست است صادرات ما زیاد تر شده است واردات ما کمتر شده با وجود اینکه کاری برای اسمار نکرده. بچه دلیل؟ بدلیل اینکه قیمت بالا رفت بنده عرض میکنم آقا اگر نکرده بود به بنیدب چه میشد. شما که امروز (ولو بکم) مقدار واردات را کاستید. امروز بگفول خودتان بآن بیان شیرین خودتان فرمودید کونی هم میتوانیم بیوشیم (در صورتیکه ترفی هیچکدام از آقوتان بنده گوی وطنی نمی بینم) امروز

که يك قسمت از اشیاء تجمل چاروش گرفته شد ورواقاً هم صادراتی که سابقاً همیشه بهصادات ارقام از حبس اینکده صادر میشد حالا چه میزان است بنده در آن حرف دارم بنده با آن اندازه که میزان حقوق گمرکی ما نشان میدهد ولی در هر صورت یک مال التجاره که سابق تیرفت حالا میزود پس اگر ما بواسطه قانون انحسار تجارت آمدیم يك کاری کردیم که جنس بیشتر صادر شد يك کاری کردیم که جنس کتر وارد شد این مسلم است که قانون در قیمت این مؤثر بوده است حالا يك عوامل دیگر هست که آن عوامل باعث این شده است که خیلی جلوگیری شده است و از طرف دیگر اگر همان طور که عرض کردم اگر آن مؤمنی که خیلی اقترش زیاد بود اگر آب جوشیده مدعی شود که به بیش از قانون انحسار تجارت برسد چه مدعی شود بلی میشد میثالیه یک چیزی بگوئیم که علی ای حال از قیمت نقره بیابود نمیکرد یعنی تقریباً اول قانون انحسار تجارت هم نبود قیمت اسماخ خارجی ما بیک حساب عادی معادل میشد با قیمت نقره یا بصادات دیگر معادل میشد یا قیمتی که شما نقره را بدهید کرایه اش را هم بدهید بیدید خارج بلی این در وقتی بود که میخواستند شما نقره را بیدید و مصلحت هم نبود که این کار بشود برای اینکه تا چند روز شما خواستید این کار را بکنید که قیمت نقره برود بگفدی تبدیل بکند ولی آنوقت که با مصلح معروف کتکگیر به ته دیک بخورد بنده بیادمان که آقای رهنما و من چه فکری میتوانستیم داشته باشیم حتی قانون انحسار هم نه تنها آن قسمت قانونی که آقای دارند بی روشنی است و بدیهی است در دولت قبول کرده ولی آن شایعی را که آقای قبول دارند که نتایج غیر مستقیم آن است که تعدیل در نرخ اسماخ است تا آن اندازه که ممکن است کرده است و با اینجا رسیده بالاتر نرفته و این نرخ را دلیل برودی این قانون نمیشود فرض کرد چرا تصدیق صدور را که تا دروز با پرروز ما آمدیم و قرار گذاشتیم که خوشی يك قیمتی دارد و اجازه ورود میدهد چرا بعد از این نگوییم که بایست

اسماخ مربوط بآن فروخته شود و آن وقت قیمت داشته باشد البته بنده در بیعت آقایان يك قدری هم از نقطه نظر لطفی که به بنده دارند و يك قدری هم عادت شده که میگویند دست مغالطه دارم (یعنی از آقایان چون دیدم بپوشکی گفتند) اگر بخوام آن استدلالی که آخر بخوام بکنم بکنم باز آقایان فرمایش خودشان را میکنند اول این استدلالها را میکنم و بعد هم يك استدلالی خواهم کرد که حق بدهد با آقایان که ظاهراً وارد است اما ما چرا باین خیال افتادیم که انحسار تجارت درست کنیم اول میخواهیم ببینیم که اسماخ صادر کردن بهتر است یا وارد کردن بنده شخصاً قطع دارم وقتی که دلایل را کنیم آقایان هم با من موافق خواهند شد که وارد کردن خیرست نه صادر کردن بلی جنس وارد کردن خوبست نه صادر کردن (پوشی) بشرط آنکه پولش را نخواستند اجازه بدهید بنده میهم ما اگر اینکه ثروت خودمان را در مملکت خودمان صرف کنیم باز هم احتیاج داریم بچنانی خارج این است که وارد کردن باید وارد شود ولی چون چنانی میدهد باید صادر بکنیم این را در نظر بگیریم پس ما وقتی که بخوام جنس صادر بکنیم بیشتر از این نظر است که میخواهیم از دیگران جنس بگیریم اینست که جنس بمفروشیم پس حالا اصل این شد که صادر کردن را ما از نقطه نظر وارد کردن میخواهیم خوب آقایان رهنما را فتنی میکنم درست دقت بفرمایند اگر نباشد ما قبول کردیم که خوب جنس را که ما بخوامیم صادر کنیم برای اینست که میخواهیم در مقابل جنس وارد بکنیم اگر جنس را خارج بکنیم بخریم آن طرف سرحدو بفروشیم زود بیا خوبست که جنس وارد کنیم؟ خیر خوب که نیست بجهت اینکه ثروتی را از اینجا ببردیم و آنجا فروخته نشده و در مقابلش بخوام جنس وارد کنیم با اختیار با باجتمالی که انشاء الله خواهم فروخت هم بیایم منی بکنیم بطور صریح و غیر رسمی براه بازار مشرع و غیر مشرع این در بزمیم و آن در بزمیم و بالاخره اسماخی دست بیابودم

برای اینکه جنس وارد کنیم و بگوئیم انشاء الله چندان را بعد خواهم فروخت و اسماخ خواهم داشت این مقصود است این خواست ۱۲۱۲ که آمد باعتبار اینکه بعد يك چیزی را که صادر و پیدا خواهد کرد برود چیز بخرد بنده که خیال ندیکم اما اینطور خیال نمیکند ما خیال میکنیم که خوب این تصدیق صدور که ما مصلحت برای این بود که خوشوقت بودیم جنس از اینطور سرحد رو بآن طرف سرحد و اینکده بریزند روی دریا! برای اینکه بنده است این از برای این بوده است که پول بیابود پس وقتی ما مطمئن خواهیم شد که پول آوردیم که پول را آوردند بنده این یکی یکی دیگر متأسفانه اخلاق افراد در مملکت (انحسار) بمصلحت مادم ندارد چون بگفدی هم عادت نده ما خیلی خودمان بد میگوئیم این را هم بنده خوش نمی آید در همه جای دنیا متقاضی ما بگفدی از جاهای دیگر بفرم (اخلاق عمومی طوری نیست که بتوان تقاضا کرد منافع خودشان را برای منافع مملکت بکنی زیرا با بگفدی افراد سعی میکنند که منافع خودشان را تأمین کنند این قوه هم که در مملکت هست جلس از برای قانون درک هم از برای اجرا وقتی که دیدند که خیلی تماس پیدا میکنند و برای عملت معسر است قانون جنوری آنها را بگیرد ولی نمیشود مکرر وجود آنها شد جنس آن اشخاص که تقیر پیدا نمیکند بایست قیمت فروش را معین کنند جنس عالمی که صادر میکردند چون دیدند وارد کردن خیل خوبست میکنند برای اینکه میابودند به آقا و بنده و دیگران بفریم که بخوانند بفروشند چنانهایی که صادر می کردند میابودند بگنجیزی که بایست تو مان قیمت داشت میکنند چیزی میخواستند معین کنند هزار لیره میدید قیمتش برایش گذاشته میشد هزار لیره نقلاب و انقیاب هم میشد حالا وارد این بحث نمیشویم آنوقت يك راقمی درست میشد میدیدیم که دارای يك صادرات خیل هنگفتی شدیم فر مقابل این صادرات که جواز میدادیم جنس وارد نمیکرد آقای همکار بنده و رفیق عزم آقای رئیس کل



چون سیصد هزار دلار جواز دارید البته این صد هزار دلار نمیتواند جواب همه اش را بدهد و البته در قسمت فروش اسما در تنگنا خواهیم بود حالا این مسأله که در عرض میکنم یک عیبی است خوب آقا شما که خودتان آمدید میگویید اجناس آبا ترفی کرده است نزل (نزل) اینجا چه میباحث بین آفتابی شد و آقای دقت هم با عیاری گفتند خشک بار) بل خشک بار ترفی کرده یکی از آقایان گفتند که فلان چیز هم نزل کرده ولی بنده اسلاشیه را قوی میگیرم که همه چیز نزل کرده آقا بواسطه قانون انحصار تجارت نزل کرده؟ خیر مطلب چیز دیگری است. عرض میکنم نزل کرده است برای اینکه تمام اجناس دنیا نزل کرده است آقا شما در تمام روز نامه ها بخوانید که امروز دنیا در بیگیری است در گرای است می بینید که اغلب کارخانه ها بسته میشود برای آنکه نمیتواند عملوانش را بفروشد. چرا نزل کرده؟ برای اینکه همطور که اجناس دیگران نزل کرده (اورنگ - پس چرا اجناس دیگران برای ما ترفی کرده) اجازه بدهید که عرض کنم این که میگویید تمام اجناس ما نزل کرده بنده میگویم تمام اجناس دنیانازل کرده شما خودتان هم که موافقت مربوط به قانون انحصار تجارت نیست پس در اینهم که موافقت بنده میخوانم هر دم بجای دیگران استدلال اجازه بدهید شما که میگویید نزل کرده شما میگویید آقای درهما شترزی که است شما که میفرمایید ممکن است نخرند اما آفتوق شما بیستاد میکنید باغبانر یک همچو اجناس ما چس بیخرم؟ شما بیستاد میکنید که نهاد اسامری نمیخواهد یعنی پولش را ندهد و چس بخرد؟ چه چس را آن چس را که خودتان میگویید قیمتش نزل کرده و شترزی وارد استخوان میبرد که فروش هم نرود نتیجه این میشود که وقتی که شما میفرمایید نهاد اسامری را که لازم نیست آفتوق بگویند آقا چسهای ما نزل کرده است در خارج ممکن است فروش نرود یا زود بفروش نرود خوب آقا باغبانر یک همچو دیوار بوسیدم شما میخواهید

یک چنین دومی را بزرید واردات بنده بیتمام قطور میشود؟ اگر آن متعلق آقا را بگیریم بیشتر لازم است که ما احتیاط بکنیم اگر چس ما یک چس بود که روزی بود و بلافاصله تا میرفت پولش را میدادند ممکن بود بگوئیم این طلاست به عرض اینکه صادر شد بازار وارد ولی شما میگویید کثیرا است قالی است شما که میگویید اسلاقیتم ندارد شما که میگویید هیچ است خوب باغبانر آن باغبانر یک همچو چیزی شما میگویید اجازه بدهیم یعنی چه یعنی باغبانر صدق صدور اجازه بدهیم چس وارد کنند ما میگوییم نه تجربه پیدا کرده ایم دیده ایم خود صدق صدور قیمت را بالا میبرد بعلوه عرض احتیاط آبی رهنما مادم بکفوری احتیاط میکنیم میگوییم بعد از اینکه این چسهای که باید بفروش برود فروخته شد پولش را بگیرند آفتوق باز بدهیم که در مقابله چس بخردند باغبانر چس که ممکن است بفروش برسد و ممکن است بفروش نرسد این اقتصادی تر است. اگر روی استدلال آقا بروم در این قسمت ما در عین اینکه یکی از آقایان آقای درهما میگویند که خوب است ما را قانع کنبدلانه این خیلی خوب است ولی این امری که میفرمایید این دوطرف دارد یک قسمتش در دست بنده است و یک قسمت هم در دست آقا بنده البته باید استمداد این را داشته باشم که مطلب را تشریح کنم آقا هم باید لطف این را داشته باشند که عیب به بنده داشته باشند که قنع بشوند نه اینکه چون خودتان بطور فرمودید سخت باشد قنع نشودید اگر اینطور باشد قنع نخواهید شد ولی همینها ما فکر مان را زیاده روی که همینطور بگذرد ما میخوانیم بحث شود ما که فکرمان را رسیده و بیارود ایم یک اسلاقی است که بشرط کارد شما میفرمودید شما بیاروید بشکاید اگر صحیح بود پذیرید اگر صحیح نبود که هیچ جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
**دلیس -** آقای دقتی  
**دهتی -** عرض کنم بنده نیدام آقایان چرا مذاکرات را کافی میدانند قسمت عمده صحبت مربوط با این لایحه

قط راجع بنگاری است برای اینکه اگر اصولا ما این لایحه را قبول کردیم جزئیاتش دیگر جمعی ندارد برای اینکه دیشب در فرانکفون صحبت شده املاحات عبارتی هم اگر بوده که در آنجا بنابر این اجابت بدهید تمام کام که از اجازه خواسته اند برای این صحبت کنند (چند نفر از نمایندگان - بفرمایید) عرض کنم که بنده اگر جای آقای رئیس کل تجارت بودم اول دلیل آوردن این لایحه را به مجلس اعلام میکردم برای اینکه ما قبلا یک قانون انحصار تجارت داشتیم دلیل اینکه میخواند این را بیارودند بفرمایید چیست برای اینکه لایحه بدرجه مفصل و بدرجه مفید و بدیجارت است که حقیقه اغلب مردم چیزی ازش نمیفهمند بنده دوسه نکته از این لایحه جدید فهمیدم یعنی دوسه اختلاف مهم دارد با آن لایحه قدیم یکی مسئله است که نهاد اسامری است که نهاد اسما را باید قبلا بکنند یعنی اسما را نشان را بدهند و بعد از آن بگردند یکی هم راجع بدست است که مدت را در اینجا کمتر کنند سابقا یک لایحه بوده اسلاقی است ما کرده اند (یعنی از نمایندگان - هشت ماه بوده بکسال شده است) خیر آقا کمتر شده و بیشتر اهمیت این لایحه در موضوع اسما است بنده صاف و پوست کنده میخوانم از آقای وزیر عدلیه از آقای رئیس تجارت نیرس که اسما خارجی چه اهمیتی دارد این اسرار و مانی که در خصوص اسما پیدا کرده اند برای چیست عرض کنم در اوائل امر دوسال قبل اسما شروع کردیم ترفی کردن همینطور که وقتی من گفت تجار شروع کردند بشکایت کردن برای اینکه آنها تسهیل لیره داشتند و بعد لیره شان را که میخواستند بدهند لیره پنج تومان و چهار تومان و هشت قران و با باید در هفت تومان و هشت تومان بنده از این نتیجه شکایت کردن دولت هم بنمود آمد مدعا له کرد در موضوع اسما و خواست اسما را در تحت نظارت خودش در بیارود از آفتوق تا بحال این مسئله اسما یک باقی در حقیقه با یک باغبولیائی برای دولت شده است بنده تا بحال نفهمیدم که ترفی اسما چه ضرری برای

دولت دارد ترفی اسما همطور که آقای وزیر عدلیه گفتند یک علامتی است ارعدم معادله اسما و واردات ترفی اسما نشان میدهد که واردات ما بیشتر از صادرات است برای این یک قانون انحصار تجارت آوردند و رسوله قانون انحصار تجارت میخوانند معادله صادرات واردات را درست میکنند در اینصورت چرا مداخله در اسما را میخوانند بکنند چرا اسرار دارند که حتما می خواهند اسما را در نه تومان یا ده تومان یا دوازده تومان نگاه بدارند بنده تا بحال هر چه فکر کردم این را نفهمیدم برای اینکه ملاحظه بفرمایید حالا ممکن است بگویند که نزل پول هر مملکتی برای آن مملکت هم اثرات بنده عرض میکنم مملکت ما پولش نزل کرده پول مملکت ما همان قدر وقتی که سابقا داشته دارد بدلیل اینکه همان دوقرانی که سابقا میدادیم ما بیخرم حالا همان مقدار ماست میدهند فقط چیزی که هست پول شما در مقابل اسما خارجی نزل کرده یعنی اسما ترفی کرده آهم بواسطه عدم معادله صادرات و واردات است. این مسئله تقریباً بدهی است و آقای وزیر عدلیه هم گفتند که تکرار میکنم وقتیکه واردات یک مملکتی زیاد تر شد آدم نهوش در مقابل آن زیادتر میشود البته قیمت اسما بالا میروند. قانون انحصار تجارت باید یک کاری بکنند که معادله را درست بکنند یعنی باید صادرات و واردات را یک میزان نگاهدارد اگر این معادله صادرات واردات را یک میزان معین کرد دیگر چه ضرری دارد که مداخله در اسما بکنیم. اینجا مکرر صحبت از بورس سیاه میگردند بنده حقیقه معنای بورس سیاه را نفهمیدم برای اینکه بموجب یک قانونی ما فروش اسما را آزاد گذاشتیم حالا اسما ترفی می کند برای چیست برای این است که دولت موفق نشده است که قانون انحصار را درست و بنام معنی اجرا کند پس دولت هر وقت قانون انحصار تجارت را بنام معنی اجرا بکند اسما فی حد ذاته نزل خواهد کرد آقای وزیر عدلیه در رد آقای درهما همین استدلال را میکردند که قانون انحصار تجارت

کک برای جاوگیری از ترقی اسماز کرده که چون واردات را ازین جاوگیری کردیم با اعلیینه نمود اسمازی آن کتزد شد باین جهت اسماز باین قیمت مانده و اگر این نبود اسماز مثلاً به چهل تومان میرسد به بیست تومان و سی تومان میرسد عرض کنم خود این حرف آقای وزیر عدلیه یک حرفی است بنظر من بر شد خودشان برای اینکه ملاحظه فرمائید اگر قانون انحصار تجارت جاوگیری از ترقی اسماز میکند پس چرا مداخله میکند دولت در اسماز ؟ چه الزامی دارد دولت که مردم را مجبور میکند اسمازشان را و یا بفرورنده تمام افکار دولت و تمام این لایحه باین مقصدی برای این است که دولت اسماز را در دستش بگیرد و این گرفتن اسماز در دستش دو مرتبه اسباب زحمت مردم میشود و این اسباب یک زحمت بیشتر و زیادتری برای مردم میشود اگر دولت متفقد است که قانون انحصار تجارت را درست اجرا کند بواسطه اجرا کردن قانون انحصار تجارت جاوگیری از ترقی اسماز میکند بعقیده بنده اسماز را آزاد بگذارند و قانون انحصار تجارت هم بیک شکل سادسری در بیارند و آن این است که دولت یک سهم معین بکند از برای واردات و یک اختیاری بگردد که بعد که هر کسی هر قدر صادر کرد بآن اندازه بتواند وارد کند و الا باین اندازه مداخله کردن و این ملو مردم را در مشقه گذاشتن اسباب زحمت است برای خود دولت و برای مردم . ملاحظه فرمائید ما تا بحال جاوگیری از قنای شواستیم بکنیم برای چه ؟ برای اینکه روز بروز قیمت اجناس زیادتر میشود . قیمت اجناس داخلی بدوجه کران شده است که تعدیل پذیر نیست و اینها بنظر بنده تمام بواسطه همین قانون انحصار تجارت است آن آقای وزیر عدلیه میگفتند اجناس ما در خارجه تنزل کرده برای این است که تمام اجناس دنیا تنزل کرده این صحیح است یعنی تمام محصولات و مصنوعات خارجی در دنیا تقریباً صدی شصت تنزل کرده لکن تمام محصولات و مصنوعات خارجی در مملکت ما صدی دویست و سیصد

ترقی کرده این بواسطه چیست آقا ؟ اگر بفرمائید بواسطه قیمت اسماز است اینطور نیست قیمت اسماز آنها صد صدی بیست ترقی کرده ولی قیمت اجناس مسیصد ترقی کرده این بواسطه چیست ؟ بواسطه همین سخت گیری است که در قانون انحصار تجارت کرده اند کم کم کار را بجائی میرسانند که جاوار و مامل را هم قنای میکنند پس بنابر این دولت باید یک فرمولی اقتضای کند که این قنای را با اعلیینه کم کند نه اینکه قنای را روز بروز زیادتر کند و روز بروز تنویق کند . یک مثالی که بنده میخواستم این جا ذکر بدهم این است که نتیجه این قانون آن میشود که تقریباً تمام تجار داخلی ما مشتاقان از تجارت گزاه میشوند و بیگار میباشند و بیگس تجار خارجی بهتر میتوانند استفاده کنند برای اینکه تجار خارجی اسماز دارند موجود و بلافاصله میتوانند نمود اسمازیشان را بپردازند چنی وارد کنند و دوباره صادر کنند و نمود خودشان را بهتر میتوانند انجام بدهند بنده میدانم آقایان تصدیق میکنند یا نه آقایانی که ناچارند بهر از بنده میدانند تجار داخلی باید چندشان را بفرورند و چنی ممکن است شش ماه بیکسال در خارجه بماند فروشی رود و غالباً اسماز موجود ندارند اگر اسماز موجود هم داشته میدادند و چنی وارد میکردند بنابر این ملزم میشوند که چنی وارد نکنند و تجار خارجی بواسطه اینکه اسماز در خارجه ندارند نمیتوانند که چنی را بخار چه بپردازند بلافاصله میتوانند نمود اسمازیشان را بپردازند و چنی وارد میکنند این میشود که بازار را از دست تجار داخلی بگیرند و همچنین باز در این قانون یک شرطی شده است واضح بمشاین آلات نوشته است ماشین آهنی که قیمت اسماز آن در خارجه تحصیل شده باشد از نمودانی که در این قانون باید بکند معرف است بنده این میشود که هر ناچار فرنگی که بتواند کارخانه وارد کند و وارد میکند و بزودی کارخانجات در دست فرنگها خواهد افتاد و تجار داخلی ما نمیتوانند اندوستری مملکت را اداره کنند.

دولت کل تجارت - اگر چه تصور نمیشد که مباحثات واضح بکتابت لایحه اینقدر طول بکشد ولی خوب یک فرمایشاتی فرمودند بنده هم جوابهایی عرض میکنم و همانطور که آقای وزیر عدلیه هم اشاره فرمودند خیلی هم اظهار بیان نامر که قانع بشوند خود آقای دشتی وقتی یک مقاله در شفق سرخ نوشته بودند که عقیده دلیل ندانند دلیل عقیده ایجاد نمیکند محیط ممکن است که با یک آثاری عقیده ایجاد کنند آن وقت برای عقیده اش دلیل ایجاد میکنند و یک فلسفه برای آن عقیده میآورند و بهیازه اخیری عقیده دلیل میآورند این صحیح است بنده هم در این قسمت با شما موافقم این جا فرمودند که آنچه که باعث آوردن این لایحه از طرف دولت شده است چیست و فلسفه اینکه دولت میخواهد بکند برای تجار داخلی و خارجی مستشار بکند و دولت چه بکرائی دارد از ترقی اسماز و چرا با این قسمی خارجی که در بازار های خارجه آقدر ارزان است و داخله ایران آقدر گران است و در نتیجه بهر تر این است که سهمیه دولت معین کند و اختیار بدهد بگردد خانه ها در حدود همان سهمیه که هر کسی هر چنی که خراج بکند مجاز باشد هجا قدر وارد بکند تقریباً مقومود پنجعلی و این اختلافاتی که با قانون سابق میفرمودید دارد این بود . اول مسئله ترقی با تنزل اسماز را بنده بطور خلاصه عرض میکنم بعد می آیم سر مطلب از تجار صادر کننده از هر کدام که بترسد که ترقی اسماز چطور است میگوید خوب چیزی است و تمام تجار اسماز داخلی طرف دار ترقی اسماز هستند و تمام تجار وارداتی هم خلاف ترقی اسمازند و دولت با فکر هر دو مخالف است و طرف دار تعدیل و یک وضعیت ثابت است نه دولت باید است که اسماز مطابق قیمت صادراتی با بلاحه ترقی کند و نه مایل است که بالاخره اسماز را بقبضی برساند بجمدی که از قیمت نقره هم در بازار آزاد دنیا پایین تر بیاید . وارداتی حساب میکنند که فلان مقدار خشکبار یا کشتیهای که فرمودید میبرد در بازار های مختلفه دنیا

میفرودند بمان دلار ها و همان بوند هائی که سه سال پیش هم میفرودت فقط تفاوتش این است که حالا بوند این دلار ها و بوند با بادلاز و بوند سه سال قبل با فران خیل متفاوت است و بوند اش با فران دور برابر شده است این البته طرفدار ترقی است و همانطور که آقای دشتی فرمودند اگر کتیرا در سه سال قبل بونده من و نبش بوند بود است حالا شده است سیزده بوند حالا هم باز حساب میکنند که این سیزده بوند امروز و سی بوند آرزو بگی میشود و میخواهد که با یک پانصد و شصت و یک کاری بکنیم که ده بوند امروز با سی بوند آرزو مساوی شود بهر است یعنی هر چه ترقی بکند اسماز از نظر صادراتی بهر است و الا با این که بنده آتویق میکنم از صادرات با قیمت کش در بازار خارجه و چون اسمازش چیران میکند از این راه است و بهیمن عفتت که مردم نمایانند به صادرات از طرف دیگر واردات چی متوجه است به اینکه هر قدر ممکن است اسماز با این بیعت که بتواند یک اجناسی را با قیمت ارزانتر وارد کند و در بازار در مقابل اجناس داخلی بقیمت کران تر بفرودند این ترقی اسماز ولو اینکه در بدو امر بیفیع صادر کننده بنظر می آید و تمام میشود ولی با امانت بضرر مصرف کننده تمام میشود این است که دولت عقیده بمناسبت که باید اسماز مخصوصاً اسماز قناری یک وضعیت ثابت فیکسی داشته باشد بهیمن جهت این لایحه تقدیم شده است خرید و فروش اسماز قدری تحت نظر باشد و مخصوصاً اسماز حاصله از فروش صادرات با یک نرخ ثابت بقیه بانکهای عامل دولت فروخته شود . آقای دشتی در ضمن بیان ایشان میفرمودند که این قانون انحصار تجارت برای اسماز هیچ کاری نکرده است آقای وزیر عدلیه هم یک جواب هائی فرمودند ولی بنده یک نکته یاد می آید یک مذاکره که چندی پیش با یکی از رفقای محترم که در مجلس بحث میکردم آرا میخواهم عرض کنم که یک وقتی در یک جلسه اگر خطرات آقایان باشد صحبت میشد و همکار محترم من جواب دادند که اگر قانون اسماز نبود از کجا

ایره پانزده تومان باشد این حرف خیلی مورد توجه بود  
 ابتجان شد و آزاد شد لایحه تقدیم شد به مجلس و معاملات  
 اسبازی آزاد شد از وقتی که آزاد شد در هر باره رفت محال  
 اولی پس اگر اسباب از همان روز اول در دست نظر دولت  
 میباشد و به منظور که آقای وهاب زادم هم این عقیده را  
 داشتند در آن موقعی که آن لایحه مطرح بود و ایشان  
 این عقیده را اظهار کرده اند حالا وضعیت اسباب بانک  
 وضیعت بهتری پیدا میکند. بکفایت دیگر را هم بنده  
 میخواهم عرض کنم که ما هیچ از ترسی اسباب تکرار  
 نیستیم اگر مهربان کنند ما از کرانی اجناس شکایت  
 نکنند اگر مهربان که آقای دشتی گفتند اجناس ارزان  
 خارجی در بازار داخلی خیلی کران بود دولت آنقدر جا  
 اوجیت به کرانی اسباب نمیدهد فقط از بانک نقله نظرات  
 است یعنی که به این قضیه جادم میشود از نقله نظر ایران است  
 از نقله نظر پول است خلاصه عرض بنده این است که  
 ترقی و تنزل اسباب از نقطه نظرهای مختلفه و تفاوت است  
 ولی از نظر اقتصاد عمومی ملک اگر بکوضع تاقبی داشته  
 باشد بهتراست که تجار صادر کنند و وارد کنند از نقطه  
 نظر پرداخت تا کجا چین صدور و چین ورود تکلیفشان  
 روشن باشد و نرخ اجناس ورودی در داخله با نرخ بیبی  
 داشته باشد بهتراست بکار بیانی آقای دشتی فرمودند که  
 چرا اجناس نقد کران است و خلاصه آرا از افر قانون  
 انحصار تجارت دانستند بنده اینرا از خیل اشخاص میشنوم  
 و بالاخره امروز ورد زمین است ولی آن کانی که  
 شکایت میکنند متوجه بکفایت دولت میشوند ولی تهاوی  
 دیگر را از نظر دور میکنند با اسباب نهاده میکنند  
 (بفرموده بنده بیجاهل میکند) خیلی عادت کرده اند بیک  
 زندگیهای خصوصی و آن زندگی البته در آنجا با خیلی مشکل  
 میشود با محدود میشود دولت هم طرفدار این است که آن  
 زندگی محدود شود و آنها قهر اول وقتان تلخ میشود و  
 اغلب میگردد اجناسی چرا کران شده ولی میدانند که این  
 اجناسی متوجه است و بیاید کران بشود یعنی هنوز تخفیف

نمیدهند که لایحه جنس ارزان است و لایحه جنس کران  
 اصلا متوجه نمیشوند به اینکه این اجناس باید کران شود  
 پس حالا که کران شد دولت اینطور در نظر دارد که  
 این اجناس طوری کران شود بطوریکه اصراف حاصل شود  
 از مهربان آن و اینهم مادام که تفاوت اسباب خارجی است  
 این البته کران میشود بکفایتی که هزار دلار است  
 سی هزار دلار فرسآ وزارتواری بود حالا دو برابر آرا  
 باید بدهید تا وارد شود و این مربوط است به تنزل پول  
 خودتان و تنزل پول شما هم. اختیاری دست خودتان  
 نیست و نه پول است و وضیعت تفره و وضیعت بین المللی  
 که نرخ طلا و نقره را در بازار لندن باجای دیگر مین  
 میکند و ما آنقدرها تأثیر فوق العاده در آن نمیتوانیم داشته  
 باشیم. منتهی بگوئیم حالا که اینطور است و بعضی در  
 بودند که پیشنهاد میدادند حالا باید دو تومان بدهیم  
 آنقدر از ورودی و یکبارم تا وضیعت بحال عادی برگردد  
 و چاره نیست تا وقتی که وضیعت تفره بهتر شود و اینطور  
 که در آلبو نزدیک دول زمین دیگر یک تفری برای  
 ابتکار میکنند و به طوریکه از اخبار خارجه مستفاد میشود  
 متوجه این امر هستند و شاید یک قسمت از آن مشکلات  
 حل شود و آسان شود ولی حالا که اینطور بنده است  
 باید با اقدامات فوق العاده کرد و تاگری باید یک محدودیتها  
 در زندگی قابل شد و از واردات کسب و  
 یک چیزهایی را محدود کرد و یک چیزهایی را  
 تنوع کرد و بالاخره ضررهایی هم متوجه یک افرادی  
 میشود. یک قسمت فرمایند که آقای دشتی فرمودند که  
 آقای حاج امین هم اتفاقا دارای این عقیده هستند حالا  
 شاید آقای دشتی خیلی وارد عمل تجارت نیستند ولی آقای  
 حاج امین بیشتر متوجهند باین و نه ولی این عقیده  
 را تازه پیدا کرده اند و آن اینست که دولت یک سهمیه  
 همین کند و اختیار بدهد که هر که تصدیق صدور دارد  
 جواز ورود با بدهند اصلا این سهمیه دیگر مینماید  
 ولی وقتی شورا شد ملیون واردات را نظیل دادند بیصحت

ملیون که مطابق دست ما برین صادرات باشد و از اسلاف باغ  
 بی ملیون حلق کردید آنوقت آن دست ما برین از الا هم  
 ۷۷۴۴ از جهت باغ کم و بیش کردید و کم کردید خواه  
 را هم از جهت حمایت صنایع داخلی کم و بیش کردید تاگر  
 همه تالیفات محظوظ شوند و با اختیار تاجر کفایت شده  
 این خیلی متوجه برای اجناس حاصل میشود آنوقت شاید  
 اجناس هم برابر پنج برابر آنچه حالا با قیمت وارد  
 میشود پیدا کنیم اینصکه فلان تاجر در بنده در شهر  
 کردید بگوید که آنقدر باید تخ کلاف آورد که ملک اشباع  
 شود و دیگر احتیاج نداشته باشد و شروع میکنند باینکه هر  
 قدر ممکن است تیغ وارد این دولت است بشود آنوقت شروع  
 میکنند بخر کردن و در شکست شدن چون حساب بازار  
 بمشاققت نیست چه پاره زلال میباشد نوری بازار و قیمت را  
 بالا و پایین می آورند و حساب احتیاج دولت را میکنند  
 بعد که این جنس زیاد شد متوجه میشوند بیک جنس دیگر  
 که خوب لایحه جنس کران شده خلاصه آنکه همیشه وضیعت  
 واردات را با احتیاجات طوری بهم میزنند که راستی راستی  
 هیچ اعتباری و اطمانی وضیعت تجارتی میشود پیدا کرد  
 وضیعت خرید و فروش ما عادی هم در بازار اطمانی نیست  
 در هر حال این یک موضوعی است که در خارج هم میشود صحبت  
 کرد و بنده خیال میکنم که آقایان موافقت بفرمایند که  
 کفایت مذاکره کافی باشد و البته در مواردی که میخواهند  
 آقایان مذاکره کنند و میشود  
 یعنی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .  
**پوشهری** - بنده اجازه خواسته ام  
**رئیس** - جز آنوقت نترسیم که اجازه خواسته اند  
**پوشهری** - بنده مخالف با کفایت مذاکرات  
 یعنی از نمایندگان - رای بگیرد  
**رئیس** - رای بگیریم به کفایت مذاکرات اگر رای  
 ندهند آنوقت بفرمایند آقایان که مذاکرات کافی میدانند  
 قیام فرمایند.  
 (اغلب قیام نمودند)  
**رئیس** - کافی است. رای بگیریم برورد در شور مواد  
 آقایان موافقت قیام فرمایند.  
 (اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد . آقای رئیس الوزراء فرمایند  
 دارند ؟  
**(۶ - معرفی رئیس کل فلاحات)**  
**رئیس الوزراء** ( آقای حاج وهب خان هدایت ) -  
 آقای فرخ را معرفی کرده بودم بریاست صناعت حالا معرفی  
 میکنیم به ذوالرئیس که ریاست فلاحات هم میباشد ایشان  
 را کنار شده (سبح است)  
**(۷ - تعیین پاک تفره لایحه از طرف رئیس کل  
 فلاحات و صناعت)**  
**رئیس کل صناعت و فلاحات** ( آقای فرخ ) - لایحه ایست  
 راجع باستخدام و تخفیف چیزی برای است چابکاری لایحه چنان  
 که تمام ریاست تمام میشود .  
**(۸ - بقیه شور و تصویب لایحه اصلاح قانون  
 انحصار تجارت)**  
**رئیس** - ماده اول فرات میشود :  
 ماده اول - تجارت خارجی ایران در انحصار دولت  
 بوده و حق صادر کردن و وارد کردن کلیه محصولات طبیعی  
 و صناعی و معین و زران و شرایط ورود و صدور آنها در  
 حدود مقررات این قانون بدولت واگذار میشود .  
**رئیس** - آقای ملک مدنی  
**پوشهری** - چون ماده اول است بنده بکفایت  
 میخواستم که در کلیات توبه به بنده رسید و در ماده اول  
 این حق مطابق نظامنامه است که بنده نظر خود را باور  
 برای معاینه خارجه است که در این قانون باطل بنده هیچ  
 پیش بینی نکرده است البته اطلاع دارید که یک عدد زیادی  
 معصوب هستند که با خارج اولیا بدانند خارجه فرستاده  
 شدند و در این مدت هم همیشه برای خرید اسباب با یک  
 مشکلاتی مواجه بوده اند حالا موقعی که قانون اسباب  
 آزاد بود باز در خرید بکفایتی دستشان باز بود و میدانند  
 خرید کنند زیرا اگر چه قیمت خیلی کران بود ولی اشکالی  
 نداشت حالا مطابق این قانون تمام اسباب خارجه در بانکهای  
 که از طرف دولت مجاز میشود سرکبوت داده شده و بنظر  
 بنده در هیچکدام از این مواد پیش بینی نشده که اشخاصی  
 که امفانکاران را برای تحصیل خارجه فرستاده اند و هر کدام

پایبندت و متفق مایه بازده پوند بیست پوند تفاوت محل و مهلت برای آنها میسرمانند ولی ما مردم لیست که از فردا اینها باید بجا مراجعه کنند و وضعت ابن معملین در خارجه چه صورتی بخوش میگرد خراب نمیکند بکسی از کارخانه که دولت البته باید توجه بکند وضعت آسایش آنها است و تأمین اینکه اولیای ابن معملین در موقع بتوانند پول برای آنها برسانند که اینها در میخانه و زودت بیفتند حالاً از آنجا اینکه قیمت لایش داشته باشد بدو داشته باشد بده در ابن قسمت عرش ندارم و اگر البته دولت بتواند يك نرخ ثابتی را در نظر بگیرد که يك مراعاتی از آنها شده باشد برای خرید اسرار البته بهتر است اما اگر ابن قسمت هم برای دولت مشکل باشد لافل در ابن قانون پیش بینی شود که انحصاسی که برای اطالستان میخوانند اسرار خارجی تهیه کنند تکلیفشان معلوم باشد نه ابن که به بانک ملی که سرچشمه میکنند بگویند ما اسرار ندارم و اسمرای که داریم مال انحصاسی است که باید برطبق ابن قانون مجرود آنها و اگذار شود و جنسی وارد کنند مگر اینکه مطابق ابن قانون يك پیش بینی بود و الا این معملین باید در خارجه در زحمت باشند و اگر قریب اینطور باشد که يك صادر کنند جنسی وقتی محاسبه اش را تعقیب کرد اگر يك اسمرای اضافه داشت به آنها داده شود ابن وضعت بتقیه بده خبری غلبه قابل دوام است و چند نفر دیگر از آقایان هم که اطالقی در خارخ دارند در ابن زمینه نظر دارند بده خواستم این را اینجا عرض کنم که در این موقع که ابن قانون مطرح است يك تصمیمی درین خصوص گرفته شود و با فکر برای ابتکار کرده شود.

**رئیس کل تجار** - عرض میشود الساعه که من اینجا خدمت آقایان ایستادم ام عرض میکنم که دولت هیچ فکری برای این کار نکرده است و نمیتواند که هیچ فکری بکند برای این که اسرار منترقه خودش باید صرف کار های منترقه بشود و در بازار به فروش برسد انحصاس خارجی هستند که اسرار را می فروشند

**آقای سید مرتضی وثوق** - بده با ابن لایحه موافق قنط

يك تذکری خواستم عرض کنم چون تجارت واردات و صادرات آنچه که موجب ابن لایحه است منحصر میشود به دولت سابقاً در اثر شکایت بعضی از آقایان تجار خصوصاً کز خانه غلغری در زورین که بوسیله بده بود به مجلس بدست شکایتی کردند و تقاضا کردند که از بعضی اجناس و دهنهایی که صادر میشود عوارض کمتر اخذ شود زیرا که عوارض بقدری سنگین است که از برای صدور آن اجناس صرف نمیشود و ابن قسمتی که هیئت دولت مورد توجه شد رفتار بود که يك لایحه برای تخفیف بعضی عوارض اجناس مادرانی به مجلس بیاید چون ماده اول ابن قانون است و این جا میشود این تذکره را داد بده از موقع استفاده کردم و خواستم تذکر بدم که ابن لایحه را اگر دولت تهیه کرده است زودتر به مجلس بیارند که از بعضی اجناس مادرانی زیاد عوارض گرفته نشود و سبب این بشود که بتوانند تجار آن اجناس را صادر کنند زیرا مقصود منظور در واقع تنویر از صنایع داخلی و عملیات داخلی است و اگر عوارض سنگین باشد اطالوری که شکایت میکنند صادرات مملکت يك سخته و صدمه بزرگی وارد می شود خواستم تذکر بدم که اگر حقیقه این نظر را دارند زودتر عمل شود که هر موقع شکایت آید بشود وهم کفکی به صادرات نماند باشد و البته هر چه این لایحه را زودتر به مجلس بیارند بهتر است.

**رئیس کل تجار** - عرض میشود که لایحه تعدیل و اصلاح عوارض برخی از مال التجاره های دسوری در تحت نظر و مطالعه دولت است و امیدوارم بعد از آنکه دولت مطالعاتش تکمیل شد لایحه ای به مجلس شورای ملی تقدیم شود و تصدیق میفرمایید که ارقام دسوری شاید از دو دویست + دویست و پنجاه قلم بیشتر است و هر کدام از آنها از نقطه نظر کرایه و بنادر دسور و قیمت های داخلی يك حسنهائی میخواند که عوارض بوضع مناسب کم بشود و اگر مطالعه زیاد نشود باز در آنجا تریکی محتاج به تعدیل خواهد بود و بنا بر این اگر بقدری بیشتر مطالعه و دقت بشود بهتر است که لایحه ای بایک وضع

**رئیس کل تجار** - بطوری که آقای دکتر فرمودند در اثر ابن قانون که اجناس ورودی سدی پنجاه تری خواهد کرد بده خیال نمی کنم (دکتر ملک زاده -

صدی پنجاه نباشد صدی بیست باشد ( عرض میشود که بنده خیلی متاسفم که بالاخره بین اجناس ممنوعه و مجاز باید فرق قائل شد چنانکه وقتی شما فرمودید که اجناس گران میشود آقای اورنگ این جا فرمودند که چادر میشود صفت نماند آقا چادر باید بشود صد تومان! باید بشود دویست تومان برای این که اسلأ اجازه داده نمیشود و فطمی است که این عمل به منتهی صحت مملکت است هر چه ترقی کند این قبیل اجناس به نفع ما است صحت داخلی تا منفعت زیاد نکند ترقی نمیکند صنعتگر مملکت نامنفعت نکند دنبال کار نمیرود بالاخره این بیست ساله باید امتعاذ پیدا کند که مملکت از خارجه مستغنی بشود نظر این است ممکن است که این نظر پیش بکده مقبول نباشد این عیالان دولت ایشان را بنظر منتهی است که تیرول صنت باید از این را بماند و الا بیچکس نمی آید بجای این که برود معافه در لاله زار باز کند حالا اجناس لوکی نمیشود شبیه به لوکس را و بیاورد و گران فرورد عیض این کار برود پول جمع کند و با این ترتیب اسما را خارجی نهمی بکند برود اروپا ما تین بیارود آن ماشین را در این چانکار بیندازد و تونان استفاده کند البته هیچکس سرمایه ای را با این ترتیب به مخاطره نمی اندازد مگر این که اطمنان داشته باشد که متاعل سفارشی دارد در صفت گران اجناس روری مجاز اگر مقصود اجناسی است که مورد احتیاج بوده است که روز بروز دارد تنزل میکند چیت که رقم درشت واردات ما است ( این جا آقایان تاجر هستند ) و در سال دوازده میلیون دارد وارد میشود رویه تنزل است این طور نیست آقا ( وهاب زاده - بلی ) چهارلر هم که محل احتیاج است رو به تنزل است ولی متعال ممنوع الورد است و باید هم گران بشود برای این که متعال باقی بکاشان پیشرفت کرده برای اینکه در شوش متعال باقی شروع کرده اند و پیشرفت کرده برای اینکه معمول کار خانه شاهی خوب فروش برود برای اینکه نوسه پیدا کند و صرف کند برای اینکه کرباس دارم و مادامی که یک احتیاجاتی در

مملکت است و باید که اجناس مشابهی نکران است و رفع آن احتیاج را کرد و یک اجناس دیگری عوض آن جنسی واقع شود چنانکه کرباس عوض متعال واقع شده است نمیشود اجازه داد که متعال وارد بشود سابق سبزه مرغاه و رتقبه که میخواستند به بندند ترقی فوری لغاتی را متعال میکردند حالا کرباس میرسد از کاشان در سفره و روانیه بجای این متعال کار میکنند. خلاصه اینکه آقایان از گران اجناس آقا قدر نکران باشند درست است که این عقیده بجزج نمیرود ولی دولت عقیدتان این است که آقایان که شرکت دارند در قانون انحصار و تصویب و حاجت از صنایع داخلی نباید از گران اجناس در یک صد هفتاد محدودی نکران باشند خصوصاً نسبت به یک قسمت از اجناس ممنوعه که ملاحظ نیست و مادامی که گران نشود و قوه خرید از مردم سلب نشود ترقی و موهی را نمیشود جلوگیری کرد و باید کار برسد چنانچه که مردم توانایی خریدن نداشته باشند شما صادراتتان محدود است اگر وسائل نقلیه میبخواهد کار میبخواهد سال سه میلیون و خرده بنزین آنتز برید اگر میبخواهد مسافت های سی میلیون پل لاستیک و ازمبیل بدهد که هیچ سابقه نداشته است چندین سال قبل در این مملکت این واردات عوض میبخواهد و باید از حوی هوس جلوگیری کرد تا بشود پول در موهی را لاستیک تا بشود پول داد برای بنزین روزن تا بشود وسائل نقلیه را مرتب کرد این حساب تجارت است و رقم واردات و صادرات اگر شما بخواهید بگویند که خبر فلان مجسمه را فلان آدم بیاورد و روی بفارشی بگذارد و من هم میبخواهم بنزین آنتز بزنم این نمیشود سه میلیون تنها پول بنزین پارسل بوده است باید محل این را معلوم کرد و با غیر این ترتیب نمیشود. یعنی از نمایندگان - ماده است مذاکرات. رئیس - آقایانیکه با ماده اول موافقت دارند قیام فرمایند. ( اکثر قیام نمودند ) رئیس - تصویب شد. ماده دوم فرأنت میشود: ماده دوم - وارد کردن هر نوع محصول طبیعی و

با صنعتی خارجه بایران باسننای مواردیکه در این قانون پیش بینی شده است مشروط بشرط صتمی صادر کردن محصولات طبیعی با صنعتی ایران و مراعات مقررات این قانون است. تناسب بین واردات و صادرات مزبور به طریق مقررات این قانون معین نمیکرد به علاوه به دولت اجازه داده میشود در مواردیکه ممالع اقتصادی مملکت اقتضا نماید اجازه ورود پاره محصولات طبیعی و با صنعتی خارجه را مشروط بشرط صدور عموالت طبیعی و با مستق معین ابرای بنماید. تیسره - اجناسیکه بعنوان ترانزیت وارد خاک ایران میشود جزو واردات مملکت محسوب نشده مشروط باینکه کربن محصولات و با مصنوعات ایران نمیشاند و روجا آنها محتاج باشند جواز ورود نخواهد بود ولی در صورتیکه اجناسی که بطور ترانزیت وارد میشود از حدود مقررات ترانزیتی خارج و در داخله ایران بصرف برسد وارد کنندگان ملزم با جاری مقررات قانون انحصار تجارت خارجی خواهند بود به علاوه از اینکه اجناس عوارض روری در مقابل مازود خواهد کردید و اگر اجناس غیر مجاز باشد با عیوض از طرف دولت ضبط خواهد شد رئیس - اشکالی نیست ( نمایندگان - خبر ) آقایانیکه با ماده دوم موافقت دارند قیام فرمایند ( اغلب برخاستند ) رئیس - تصویب شد. ماده سوم فرأنت میشود: ماده سوم: الف - دولت مجاز است حق وارد کردن محصولات خارجی را که خود نمیشود مستقیماً عمده دار شود بشرط معینه و در تحت مقررات مخصوص باشخاص و با مؤسسات متعلقه تجاری و اکتار نماید ب - برای تأمین این مقصود دولت مکلف است که همه ماده در اول تیر ماه که این سال اقتصادی است صورتی از محصولات طبیعی و با صنعتی خارجی را که خود متصدی

رورد آنها نخواهد بود و اجازه وارد نمودن آنها را در ظرف آن سال اقتصادی باشخاص و با مؤسسانی خواهد داد اعلان نماید ج - در صورت مزبور که سهمیه نامیده میشود میزان هر یک از محصولات مزبور و کمر کفانهایک که از آنجا آن محصولات را میتوان وارد نمود و سهم هر یک از کمر کفانهای مزبور معین خواهد کردید تیسره - بر طبق تصویبنامه هیئت وزراء در سهم هر یک از کمر کفانه خانه ها تغییر و تبدیل لازم میتوان داد د - کارخان اجناسی که در داخله ایران تهیه میشود و از حیث مقدار و مرغوبیت کافی احتیاجات مملکتی است در سهمیه و این نتیجه دادن اجازه ورود اجناس مزبور برای تجارت ممنوع است ه - نسبت باجناسی که در داخله ایران تهیه میشود ولی از حیث مقدار کافی احتیاجات عمومی نمیشاند فقط بقدر تکمیل احتیاجات عمومی در سهمیه گذارده خواهد شد. و - همچنین در صورتیکه ورود پاره اجناس خارجی مستلزم صدور اجناس معین ایران باشد آن اجناس و اجناس متقابل آنها و شرایط مربوطه بصدور و ورود در سهمیه ذکر خواهد شد. ز - دولت میتواند در ظرف سال اقتصادی میزان و مبلغ اجناس مذکور در سهمیه را اضافه نموده و یا اجناس جدیدی وارد سهمیه نماید لکن حق کسر کردن اجناس اعلان شده در سهمیه را در ظرف آن سال اقتصادی نخواهد داشت ح - در صورتیکه دولت میزان و یا مبلغ اجناس مذکور در سهمیه را اضافه نماید و با اجناس جدیدی وارد سهمیه نماید آن اشافات نیز باید برای اطلاع عامه اعلان شود رئیس - اشکالی نیست ( گفته شد - خبر ) آقایانیکه با ماده سوم موافقت دارند قیام فرمایند.

(عده زیادی قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده چهارم قرائت میشود.

ماده چهارم - دولت میتواند در موارد ذیل وارد کردن اجناس خارجی را که تحصیل آن در محل مصرف در داخله ایران اشکال داشته باشد از ازام صادر کردن محمولات ایران بر طبق اجازه مخصوص معاف دارد.

۱ - اجناسیکه دولت برای احتیاجات خود مستقیماً وارد مینماید در حدود عواید اسماری دولت و صدی پنجاه اسعار حاصله از صدور اجناس انحصاری در سوربتیکه اجناس مزبور از نهاد فروش اسعار معاف نشده باشد.

۲ - اشیایکه برای فروش نبوده و منحصرأ برای احتیاجات و مصارف شخصی وارد شود بشرط اینکه اگر اجناس مزوره برای اشخاص و مؤسسات خارجی وارد شود پول خرید آن در داخله ایران تحصیل نشده باشد و اگر برای اشخاص و یا مؤسسات داخلی وارد شود آن اشخاص و مؤسسات دارای حق معاشرت کمرکی باشند و مالیات بنهائید که پول خرید آن در داخله ایران تهیه شده است.

۳ - ماشین آلات و قطعات و اجناس آنها که برای رفع حوائج مهمه ملکیت از محمولات و مصنوعات خارجی و یا بهیچوجه صادرات وارد میشود در حدود اعتبارات اسماری که از طرف دولت برای اینگونه موارد معین میگردد و بادر صورتیکه برای ورود آنها احتیاجی به تهیه اسعار خارجی در بازار ایران نباشد.

تبصره - اشیایکه ورود آنها مطابق این قانون از داشتن جواز ورود معاف میباشد از الزام صدور نیز معاف خواهد بود.

**رئیس** - در ماده چهارم هم نظری نیست. آقایان بکجه موافقت دارند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده پنجم قرائت میشود:

ماده پنجم - بجز از مواردیکه دولت خود متصدی صدور محمولات ایران شده و یا حق انحصاری صدور خود

را عملاً به شخصی و یا مؤسسه واگذار نماید و یا صدور جنس را محدود و یا ممنوع نماید صدور محصولات ایران یا مرعات مقررات این قانون آزاد بوده و مقید بقیود دیگری نخواهد بود در همان حال دولت مکلف است در مواعیت مرغوبیت هر یک از محمولات صدوری مملکت را تهیه کرده و معین نماید که بچه طرز و ترتیب باید تهیه شود.

پس از انجام مقدمات مزبوره و اعلان آن دولت مجاز خواهد بود از صدور محصولاتی که مطابق نمونه و شرایط معین شده بوده و بواسطه عدم مرغوبیت سکنه بجهن همین صادرات مملکت وارد نماید جلوگیری کند

**رئیس** - آقای رهبا**رهبا** - بنده در این ماده عرضی ندارم

**رئیس** - در این ماده هم اشکالی نیست؟ (نظاره شد غیر) موافقت با ماده پنجم قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده ششم قرائت میشود:

ماده ششم - الف) قطع نظر از تقویمی که ادارات کمرک از نقطه نظر اخذ حقوق و عوارضی که در سرحادات ملکیت ماخوذ میگردد بعمل میآورد و در موقع صدور محمولات ایران که در حدود این قانون اجازه ورود اجناس خارجی را دارد و یا مستلزم تهیه اسماری است به استثناء اجناسی که قیمت صدور آن بطور ثابت از طرف دولت معین میشود کمرک خانه ها مکلف میباشد آن محمولات را بدقت تقویم کرده و قیمت صادرات مزبوره را مطابق نرخ عمده فروشی بازار دفتر صدور معین نمایند و هر گاه در محل دفتر صدور بازار عمده فروشی نباشد باید نرخ عمده فروشی در نزدیکترین بازار داخلی ماخوذ تقویم قرار داده شود و در صورتیکه محل دفتر صدور در سرحد نباشد کرابیا اجناس صادره تا سرحد صدور بر قیمت آن افزوده میشود.

تبصره - حقوق کمرکی و عوارض ماخوذه از صادرات در موقع صدور در جرحه قیمت صادرات نباید محسوب شود. (ب) پس از حصول اطمینان از اینکه اجناس مزبوره

از سرحد ایران خارج گردیده است ادارات کمرک مکلف میباشند که برای هر یک از اجناس صادره تصدیق جداگانه بصادر کنندگان و یا نمایندگان آنها با تعیین مقدار و مبلغ و نوع و سایر مشخصات صادرات و اسم صادر کننده و یا نمایندگین او و تاریخ و مقصد صدور و کمرک خانه که از آن جنس صادر شده است بدهند. نسبت باجناس انحصاری بجز آن سدی پنجاه و پنج تقویمی سکه بعمل آمده است تصدیق صدور داده خواهند شد - (اطلاعات مذکوره در دفتر مخصوص نیز ثبت خواهد شد.

تبصره - در صورتیکه صادر کننده نقضاً کند که در عوض یک ورقه تصدیق صدور اوراق متممده تصدیق صدور که بعلت تفاوتی با تصدیق صدور یک ورقه نداشته باشد باو داده شود باید نقضاتی او مورد قبول واقع شود ولی صادر کننده نیز در عوض یک ورقه تصدیق صادره باید بدهد و مبالغ تصدیق صدور اسماری بدهد.

ج) تصدیقیهای صدور مذکوره در فوق قبل انتقال بوده و مدت اعتبار آن از تاریخ انقاي نهاد اسماری که در موقع صدور محمولات ایران باید بعمل آید تا ششماه خواهد بود.

تبصره - تصدیقیهای صدور که تاریخ اجرای این قانون بصادر کنندگان دارد شده و هنوز مدت اعتبار آن منقضی نگردد بدهد و برای اخذ جواز ورود باره کل تجارت تسلیم نشده باشد در حکم تصدیقهای صدور که بعد از اجرائی این قانون صادر میشود خواهد بود ولی اینگونه تصدیقیهای صدور قبل از انجام نهاد اسماری برای رفع تعهدات صدوری که در سهماه اول ۱۳۱۶ بعمل آمده است منتهی خواهد بود

د) برای صدور اجناس ذیل تصدیق صدور داده نشده و نهاد فروش اجناس خارجی نیز اخذ نخواهد شد.

۱ - اسباب سفر و اشیا شخصی - مسافرین  
۲ - اجناسیکه بعنوان هدیه و سوغات و یادونه بخرارچه ارسال میشود بشرط اینکه قیمت آنها از هزار ریال تجاوز نکند.  
۳ - اجناسیکه بطور کلیتاً از یک سرحد ایران خارج و از سرحد دیگر وارد میشود.

ه - برای صدور اجناس ذیل تصدیق صدور داده نشده ولی معاشرت از نهاد اسماری منوط با اجازه مخصوص دولت خواهد بود.  
۱ - مواد نفتی  
۲ - محصولات شیلات  
۳ - تمبر پست و جوهرات باستانی  
۴ - اشیا عتیقه.  
و) در صورتیکه جنس صادره که برای آن تصدیق صدور داده شده است به ملکیت عودت شود باید از طرف صادر کننده تصدیق صدوری که برای آن جنس داده شده و یا تصدیق صدور دیگری بجز آن معین در تصدیق صادر آن جنس - سزده شود اینگونه تصدیقیهای صدور تعهدات اسماری مربوط با آن باید باطل شود.  
ز) سایر مقررات مربوطه بمالالتجاره صدور بموجب نظامنامه که بتصویب هیئت وزراء رسیده باشد معین میشود  
**رئیس** - آقای رهبا  
**رهبا** - در این ماده هم عرضی ندارم.  
**رئیس** - آقای بوشهری  
**آقای بوشهری** - بنده در کلیات اجازه خواسته بودم و سزفته بنده اجازه نرسید البته در خوری قانون انحصار تجارت کسی حریفی ندارد و محبتناش واضح و روشن است منتهی عهدهای رفقای بنده در طرز اجرای قانون است مثلاً پیشنهاد شد که بک سهمیه معین کنند و بگمرکات دستور بدهند که هر کسی که یک جنسی صادر کرد در حدود این سهمیه اجازه داشته باشد وارد کند آقای باستانی فرمودند ممکن است این جنس را بقدری زیاد بیابارند که جای سایر اجناس را بگیرد و بزودی نسبت بسیار اجناس اشباع میشود مردم شود بنده تصور نمیکند که در عالم تجارت هیچ تاجری یک چنین خطی بکند سابق که ابتدا و بهیچوجه هیچ تعدیدی در تجارت نبود هیچ جنسی با اندازه مصرف بازار زایلتر وارد نمیشد حالا به بعضی نظرات دولت ایشانرا صلاح میدانم همین قانون را که آورده اند یک طوری بکنند که دیگر اشکال پیدا نشود که در آتی بازم بیائیم یک قانونی بیاباریم که این قانون را لغو کنیم در این ماده در قسمت (ج)

راجح به تصدیق صدورهای گذشته آن تصدیقهای صدور  
 که بداره تجارت هنوز تسلیم نشده در حکم تصدیق  
 صدور هائی است که از تاریخ اجرای این قانون صادر  
 میشود اینجا يك اشکال برای اشخاص که تصدیق صدور  
 هائی خریدند اند فراهم میشود چون تقریباً باید اینک  
 میخواهد يك معامله بکند ربع سرمایه همین را بهصرف  
 خرید تصدیق صدور رسانده است حالا اینکار را کرده اند  
 و يك مقداری تصدیق صدور خریدند چرا خریدند؟  
 برای اینکه بموجب قانون انحصار تجارت اجازه داده  
 شده بود که این تصدیق صدور را همیشه درخواست  
 کنند و جواز ورود جنس را بگیرند حالا شما آنها را  
 محروم فرمودید در صورتیکه بموجب قانون اجازه انتقال  
 هم داشته ناچار کرامتنامه تصدیق صدور در ذرابه را خرید  
 است و یورش را هم داده است باید اینک باین تصدیق  
 صدور يك جنسی وارد کند شما میگویید حالا تا آن  
 ناچار در ذرابه تمهید اسامری خودش را انجام ندهد تو  
 نمیتوانی از این تصدیق صدور استفاده کنی پس يك تکلیفی  
 برای این آدم همین کنيد که این تصدیق صدور را خرید  
 است. این یکی دولت اینک بدارندگان این تصدیق صدور  
 و کسانی که تقاضای ورود کرده اند این طور اشخاص  
 حق خرید اسما نندارند مرد که پول تصدیق صدور را داده  
 است تقاضای ورود هم داده است جواز هم گرفته ممکن است  
 جنس را هم سفارش داده باشد ولی اسما نند آن نبرد  
 این راه تکلیف است باید معلوم کنید سوغ تجاری هستند  
 که مال را میبرند و در برابر خواص میبندند که فلاحت  
 فایز يك اروپائی آنها در عرض جنس بدهد فلان فایز يك  
 اروپائی هم حاضر است که اگر شما برای او کمش یا  
 بیش یا چیز دیگر بفرستید او هم در مقابل پارچه پشمی  
 یا کفش یا چیز دیگر بفرستد اسماً این جنس بهصرف  
 فروش نبرد در کشما اسما ری داشته باشید که بعد از فروش  
 آن اسما تصدیق صدورش قابل استفاده باشد تکلیف این  
 را هم همین کنید این سه موضوع را خواص میبند آقای

**وئیس کل تجارت**

باید توضیح بفرمایند یکی اینکه کسی تصدیق صدور  
 خرید و تقاضای ورود نکرده یکی هم اینکه تقاضای ورود  
 کرده و جواز هم در دستش است و هنوز جنس نیاورد  
 برای تهیه اسما و ورود جنس یعنی اینکه اینک است  
 قرار دادی بایک کپائی دارد يك جنسی میفرستاده است  
 و در مقابل يك جنسی هم آورده است این سه قسمت را  
 تکلیفش را همین کنید.

**وئیس کل تجارت** - در قسمت اول فرمایشاتی که راجع  
 به پی به فرمودند چون مطلب خیلی اساسی است که بقول  
 بعضی ها عمومیات قانون و مسابله است اگر کنتنرژان  
 باشد و اگر بیل ناچار گذاشته شود پورشمی - خیر کنتنرژان  
 باشد) کنتنرژان هم باشد یعنی چه؟ (پورشمی - بنی همین  
 شود که چه قدر فلان جنس وارد شود و هر قدر که مایل  
 شد وارد کنند) بچه ترتیب؟ (پورشمی - بترتیب مایل  
 و تقاضای بازار) بنده هم همین را میخواستم عرضم تقاضای  
 بازار الآن اگر تصدیق صدور باشد در دست مردم (که  
 خیلی کم است) بنده قول میدهم که تجاری  
 خواهند که ده مایون پارچه وارد میکنند بیست  
 مایون هم وال نمی و زبیر و این چیز ها وارد کنند  
 (پورشمی - ساقی هم نمیکردند) جهت دارد برای این که  
 دولت يك نظر دیگری هم دارد دولت تمهید است که پارچه  
 پشمی واردشان محدود شود برای حمایت از کرافته اسما ن  
 و کارخانجات بزد شما چرا ترتیب باین مسائل واضح می  
 کنید سه مایون پارچه پشمی است علاًماً بنی ملک  
 احتیاج دارد به مایون پارچه پشمی و دولت همین کرده  
 هفتصد هزار تومان وقتی که این مقدار کرد شد تقریباً  
 پشمی کران میشود وقتی که آزاد بود و کران هم بود آن  
 قدر از این پارچه وارد میکنند که بیش از این مقدار است  
 و حایت هم میشود از ممانعت داخلی کرد (پورشمی -  
 حالا هم که همین کار را می کنند حالا هم هفتصد هزار  
 تومان وارد می کنند اما این چه ربطی به هفصد اسما دارد  
 شما میفرمایید که باید بیل ناچار باشد بنده عرض میکنم

که باید اندازه داشته باشد و هزاران نظر رعایت شود  
 جایز مشورت داخل و کمرکشانهای مختلف يك  
 موضوع دیگر هم فرمودید راجع به تصدیق صدور هائی  
 که فعلاً در دست مردم است يك مطلب دیگر هم فرمودید  
 (پورشمی - جواز هائی که گرفته اند و اسما را بخوانند)  
 آن که در يك جائی پیش بینی شده است که اسما فروخته  
 میشود توجه فرمودید بنما کسره و اصلاح شد و بيك  
 بابری در یکی از مواضع هست که تا مین میکند جواز هائی  
 که در دست تجار است به يك میبرند و مطابق مقررات  
 قبل اسما رایتها فروخته میشود اما قسمت تصدیق صدور هائی  
 که در دست مردم مانده است و هنوز با مبادرت تجارت  
 داده اند اینجا پیش بینی شده است که اینها به صرف تمهیدات  
 مدوری قبیل که در سه ماه اول ۱۲۱۰ تمهیداتی شده  
 است و وارد کرده اند و میسرند و بعلاوه تصدیق صدور هائی  
 زبانی هم در دست مردم نیست زیرا که تصدیق صدور هر  
 چه بوده است تا اول تیرماه که موقع قبول در خواست  
 وده است آورده اند و داده اند حالا کنتنرژان بآن ها  
 رسیده است یا نرسیده آن مطلب دیگری است اشکال ندارد  
 برای اینکه در اینجا قید شده برای آنها فکر فوق العاده  
 میکنند آن قسمتهای دیگر بنی آن مقداری که در دست  
 مردم مانده است یعنی در حدود صادرات ده پانزده روز  
 ملک میشود تقریباً و تا وقتی که مدتش سر نیامده  
 است باطل نمیشود همیشه متزلزل خواهد بود تا اسما رش  
 را بفرشد و معتبر خواهد بود اگر تصدیق مدوری که  
 مدتش سه ماه است و فرقا باطل میشود چون در خواست  
 دانن از این میروند این تا هر موقعی که مطابق این قانون  
 اسما رش را بفرشد اعتبار دارد تا ششماه دیگر و این  
 قاید بیشتر از آن کترائی ضرر احتمالی شما است و بعلاوه  
 يك جور تمهیدات مدوری دارند قریب دو میلیون که  
 بنده باید شکایت بکنم. بیار که مدعی الموم و عدلیه  
 از دست تجار که تمهیدات خودشان را انجام نداده اند ما  
 اجازه داده ایم که این تصدیق صدور ها را بیارند و

**وئیس کل تجارت** - در این جمله که راجع به تقویم بود که  
 نوشته بودند (هز این است که آقای وئیس تجارت عرایض  
 بنده را گوش بدهند که محتاج بکنار آورد) عرض کنم  
 راجع به تقویم که نوشته شده است در کمرکشالینه  
 خاطر تان به عرض است که يك جنبه هائی است که با اصطلاح  
 روشن است و در هر کمرکی میتوانند قیمت کنند ولی  
 روش جنبه هائی است که در درخود میزان هم مخصوص لازم  
 دارد که قیمت شود در کمرک بلان یا کمرک کاربز یا  
 کمرکات دیگر که صد پنجاه فرسخ اطراف مملکت ما  
 کمرکات مختلف دارد چه راهی برای اینکار فکر کرده اند  
 آن کمرکات که مخصوص ندارند که قیمت واقعی را معین  
 کنند اگر اختلاف نظر پیدا کردند چه ترتیب حل شود  
 مثلاً مقوم يك جنسی زیر خاک یا جنس که تازه پیدا  
 شده است و يك جنبه هائی متفرقه که جنس بازار و  
 روشن نیست اگر اختلاف شد بین صاحب مال و مقوم  
 چه جور رفع اشکال را میکنند این را بفرمایند که روشن  
 باشد و اسباب اشکال نشود.

**وئیس کل تجارت** - عرض میشود راجع به تقویم  
 مال التجاره چه صادرات و چه واردات این اشکال هست  
 بوده ولی این لایحه و این قانون این اشکال تاحدی مرتفع  
 میشود برای اینکه مناظ فروش اسما رش هر قبضتی که ناچار  
 میخواهد بگیرد ما علاقه نداریم که قیمت حقیقی واقعی  
 جنس را معین کنیم برای اینکه بهر قبضتی که اظهار  
 میکند بهمان اندازه هم اسما رش را باید بفرشد و مام  
 هر قدر اسما رکتر قیمت اجازه میدهم که واردات بهمان  
 اندازه باشد و اگر چنانچه کمتر قیمت کرد که ما م طرفدار

آن هفتاد یعنی طرفدار قلیل قیمت صادرات هستم و خرید قیمت واردات این يك اسبی است و اختلافات هم بآن ترتیب است که نظامنامه معین میکند و لغ میشود در بحث است يك به يك از دانه نهاد اسماری معاف خواهد بود داریز که قیلامم به موجب نظامنامه معین شده است و همینطور بوده است و يك ترتیبی بوده است که باز خرید میکنند بکنه تقویمی از نقطه نظر قانون انحصار تجارت معمول شده است و از آن جهت است و نظر حضرت والا هم روی آن قسمت است فرستادن خبره در کمرهای کوچک مثلاً کمرک بلان یا کابریز یا فلان دفتر کوچک این البته کار آسانی نیست ولی خود این روش به صلاح میکند ترتیب را برای این که خود تاجر ملتفتند در این بست که میخواهد قیمت را با یاد بگیرد برای آن که باید اسمارش را بفروشد گسترک هم وقتیکه اینطور است اشکالی نخواهد کرد و بنظر بنده نگران نخواهد داشت.

یعنی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

ولیس - آقایانیکه با ماده ششم موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

ولیس - تصویب شد. ماده هفتم قرائت میشود:

ماده هفتم - الف - کلیه صادر کنندگان یا مستفاه واردیکه مطابق مقررات قانونی معین شده باشد در موعود صادرات اسماری معاف خواهند بود و در مقابل آن تصدیق صدور اخذ میشود و تکلف میباشد نهاد نامه بدهنده که به میزان قیمت جنس صدور خود و بر مخ تاریخ تصدیق صدور اسماری جنس که در بازار آزاد خارجی داد و ستد میشود بدولت بفروشدند ب - اینگونه نهادت در اسبی که عدد آن از طرف دولت معین میشود بوسیله کمرکخانه که از آنجا جنس صادر میشود قبل از دانه تصدیق صدور از خود صادر کنندنده و یا نمایندة او اخذ خواهد شد و اداره کمرک تکلف است بلا تأخیر نسخ مأخوذه مزبور را به مؤسسه ای که از طرف دولت معین میشود ارسال دارد

اسمار بر طبق جوازهای ورودی که تصدیق صدور مربوطه با آنها حاکی از انجام اسماری ناشیه از صادرات نباشد از محل اسمار حاصله از نهاد اسماری که مطابق این قانون حاصل میشود معاف است.

صدی پنج اسمار حاصله از صادرات عمومی برای احتیاجات صنعتی مملکت تخصیص داده میشود مازاد اسمار حاصله از صادرات در آخر هر سال اقتصادی با اختیار دولت نگارنده میشود. اسمار مزبور و مازاد صدی پنجاه اسمار اجناسی انحصاری در مرحله اول برای احتیاجات توسعه صنایع مملکتی که از طرف دولت و یا مردم بعمل میآید تخصیص داده میشود و اگر مازادی از اسمار مزبور باقی ماند بصرف تشکیل ذخیره ثبت ترخ اسمار خواهد رسید تیسره - اسماری که برای جوازهای ورود صادره در ظرف آن سته اقتصادی لازم باشد از محل اسماری که با اختیار دولت نگارنده میشود باید تادیه شود.

ز - فروش اسمار حاصله از صادرات بغير دولت و یا بانکهای که عامل دولت باشد ممنوع بوده و مرکبیت مورد مجازات معینه در این قانون خواهند شد.

ح - قیمت اسماری که از بابت صادرات بدولت فروخته میشود باید از طرف دولت و یا بانکهای عامل دولت تماماً صاحبان آنها تادیه شود.

ط - نهاد اسماری با وارد نمودن اجناس خارجی مرتفع میگردد.

ی - در صورتیکه کسی پیش از نهاد اسماری خود اسمار از بابت صادرات خود بدولت بفروشد بهیزان اضافه اسماری که فروخته است حق اخذ تصدیق صدور خواهد داشت. اینگونه تصدیق برای صدور را در مقابل تصدیق فروش اضافه اسمار اداره کسل تجارت صادر خواهد نمود و در آن تصدیق صدور فروخته شدن اسمار اشائی و مدرک آن فروش را ذکر خواهد نمود.

ک - برای خرید و فروش اسمار حاصله از صادرات از طرف دولت ترخ رسمی برقرار خواهد کردید در همانجا بدولت اجازه داده میشود که خرید و فروش و سایر معاملات کلیه اسمار را در مملکت در مواقع مقتضی تحت نظارت و نظارت خود قرار داده و برای آن ترخ رسمی معین نماید

ترخ رسمی و سایر شروط خرید و فروشی اسمار خارجی الزامات و نهادت بانکهای عامل دولت از حیث عدم استتکان از فروش اسماری معاف است ابواب جنس آنها است و نگاهداشتن حسابهای مخصوص برای اسمار حاصله از صادرات و فروش اسمار مزبور از بابت واردات و احتیاجات صنعتی دولتی و اطلاع دادن میزان و ترخ خرید و فروش اسمار مزبور و دادن صورت اشخاصیکه نهادت اسماری خود را چه از بابت صادرات و چه از بابت استرداد اسماری که برای واردات خریدند باشند انجام نداده باشند و سایر وظایف مربوطه از طرف دولت خواهد شد.

ل - اسمار خارجی که از صادر نمودن معمولات ایران تحصیل شده باشد و خصوصاً اسماریکه در بازار ایران تحصیل شده باشد ام از اینکه بشکل چک یا برت صادره از بانک هائی که در داخله ایران کار میکنند و یا بشکل چک و برات صادره و یا ظهر نویسی شده از طرف کلیه افراد مقیم ایران باشد بتوان اسمار حاصله از صادرات قبول نخواهد شد و فروش اینگونه اسمار نهاد اسماری کی با از بابت صادره زائل نخواهد نمود

ولیس - آقای بوشهری

بوشهری - در این ماده تکلیف صادر کنندگان که اجناس خودشان را از قیمت تقویمی که در کمرک شده گرانتر فروخته اند معین کرده یعنی اگر جنس شما صد پوند قیمت شده بود و فرید صد و بیست پوند فروختید آن بیست پوند را اگر بدولت بفروشید اجازه ورود بیست پوند دیگر مان میدهد لکن راجع باشناسی که احتیاجی دارند که کتر فروش میروند تکلیفش معین نشده است و تصور میکنم این قسمت بیشتر اتفاق می افتد این صد پوندی که قیمت شده صد سکن است بیهوده و پنج پوند فروش برسد ولی تا آخر معین نیست نهاد اسماری کرده آنوقت تکلیف چیست ندارد بدولت بدهد. بنده عقیده ام این است که در بند (م) باشد و آنچه میگوید در صورتیکه با اسناد مثبت قبالی قبول ثبت نمایند که اجناس صادره بفروش رفته باز نمیدهند میدهد همانجا میشود است که اگر ثبت کرد کتر



از قیمت تقویمی چشما او بر سر رفته باشد تخفیفی از مهدها سارایش  
 یاو داده شود. بگزاراج بهوشوع لمین نرخ فروش و خرید  
 اسداز است. بنده اینجا خواستم اذکار بدم که کفنی القمفور باید  
 پایه را قیمت نقره نسبت به طلا قرار داد و آن تجریبات  
 بلخی که از گذشته داریم دیگر تکرار نکنیم برای اینکه  
 اگر شایقمت بودند و دلوراد از قیمت حقیقی بازار خود  
 کفر نمین کنند حتماً قولید قاچاق خواهد کرد و بعقیده  
 بنده بهتر این است که موجبات قاچاق را برع-کنیم یا اینکه

بچاقفنی را تعقیب کنیم.

**رئیس کل تجارت** - عرض میشود سمت اول در فرمایشاتشان

راجع باین بود اشخاصیکه اسامی پیش از تقویم جستان  
 بدولت بفروشند جواز داده میشود کتر فروختند معافیتش  
 بنها داده شود - سانکیون و مجازاتی هم ندارد. اولاً مجازات  
 دارد برای اینکه در قسمت اخیر ماده پانزده ماده هشت که  
 در آنجا قید شده: کسانیکه تمهدات اسامی خودشان را انجام  
 دهندد مجازاتشان چنین و چنان است. جریمه میشود.  
 دیگر مقدارش را معین نکرده است. قطعه. اگر کسی کار  
 بودند تمهد اسامی دارد باید تا را داد و بعد تا را نداد  
 البته نسبت بان یاضد بودند تمهد که انجام نداده است  
 مجازات میشود اگر غماش را انجام نداد نسبت به نامش  
 اگر ما میخواهیم به معاذیر تجار در این قسمت وارد  
 شویم فرار سرمایه از ملک است هر کسی الوقت ممکن  
 است بگوید جنس من بفروش رفته. مثلاً هزار بودند  
 قیمت میکند میگوید بفروش رفته دوست بودند و امیکند تا  
 اینجا و بعد سرمایه اش را از ملک خارج کنند تا  
 بالاخره تمام سرمایه اش را انتقال میدهد بخارج. ثبوتش  
 را بنده ندیدم بچه ترتیب است فرض کنید اطاق تجارتش  
 لندن یک ضدیقی داده است یا در رم یا فلانجا اطاق تجارتش  
 همچو ضدیق کرده یا عضو سفارتخانه چنین ضدیق نموده  
 بالاخره همه اینها اشکال دارد پس بهتر این است که  
 بگذاریم همبطور باشد. اگر آقای ناچر احتیاط کند بهتر  
 است کتر گیر میکند (صحیح است) در قسمت دوم که

با بنصحرأ خودش یا به معیت عده از تجار اصل انحصار  
 واراد و صادر ملکات را کاتباً در دست بگیرد و تجاری  
 که در داخله ملکات مشرف کسب و کارند عملاً خود  
 قرار دهد. یعنی بعضی از آنها را عامل خرید صادرات  
 قرار بدهد و بعضی ها را عمال خرید و واردات. تا  
 املامعین محتاج نشویم در این قوانین و این ترتیبات  
 ما بحث کنیم. برای اینکه بالمال هم همین خواهد شد.  
 زیرا با این تمهد اسامی که در این قانون قید شده است  
 پنجاه گمان میکنم و ثابت میکنم یک تجاری که در ایران  
 پنجاه هزار تومان سرمایه دارد قوه صادر کردن و وارد  
 کردن را نخواهد داشت در سه سال. برای اینکه یک تجاری  
 که پنجاه هزار تومان سرمایه داشته باشد اگر بخواهد  
 صادر کند تمهد صادراتی خود را انجام دهد و بعد جنس  
 وارد کند اینجا و بفروشد. شاید در عرض سال این آدم  
 مرفوق شود که یک ققره صادر کند و یک ققره وارد. تازه  
 این یک ققره خارج و وارد هم کافی بجزج او نیست و ممکن  
 قیمت نتواند تمهد خودش را انجام دهد و ممکن است در  
 اشخاص سرمایه دار زیاد هم کسی که یک میلیون سرمایه دارد  
 بایست ترس نرسم که با هم شرکت و اقدام کنند بپوشاند  
 بکلی صادرات و واردات میکنند. بگو دیگر این مسئله را  
 دیشب عرض کردم حلال هم عرض میکنم چون دولت اختیار  
 دارد به بعضی از مؤسسات اجازه هائی بدهد. اینرا دولت  
 در نظر بگیرد که حقیقتاً این اجازه را بدهد یعنی تمهد  
 مدور را از آنها قبول کند بدون اینکه آنها را مجبور  
 کند که انجام بدهند. تا نه مردم فوراً بیک زحمتی بیفتند  
 و نه دولت. مسئله دیگر اینکه اینجا آقای دنیا اظهار  
 کردند و آقای باستانی هم عرض بعملیه هم مکرر دیدم اظهاراتی  
 فرمودند بنده میخواهم عرض کنم که بقول آندرابانجاها  
 دنیا دنیای آتش والئی و بقول فارس ها دنیا دنیای معامله  
 است و داد و ستد. شما تصور کنید خشک بار یا کتبرای  
 شما در خارج طلا میدورد بدون اینکه آنهائی که شما  
 فرآقای این طلا را میگیرید در مقابل نظری داشته باشند  
 بشودم مثلاً باین پیراهن چهلوار احتیاج دارم و فلان زید

بفرد  
 آنها احتیاج دارم و باید بیوئیم. ولی او بجنکه بار شما  
 احتیاج ندارد. کمش را هم نمبخرد. آن میوه را هم  
 که شما تربیت میکنید نمبخرد. با آن کتبرائی که از اینجا  
 صادر میشود از جای دیگر هم میآید و آنجا مصرف میکند.  
 وقتیکه او متفقد شود که شما آن کتبرائی که در ملککش میفرشید  
 برای اینکه شما مجبور میکنید انجام بدهد تمهد اسامی شما را  
 بدهد که تمهد اسامی را انجام داد اجازت میدهد. جنس وارد  
 کند وقتیکه شما آنجا را بکنار او میدیدید جنس وارد  
 تجارت را بکنند آخر آن ملک هم هرش کرد که در این عصر با  
 این بجران اقتصادی منوجه و منلنت است او وقتی میگذارد  
 شما مالئان را آنها بفروشد که اقل باندازه نصف آن تمهد  
 مدور از ملککش حالالتجاره وارد کند. اگر آفت را  
 جنسی نکند شاید در قوه مقابل شما یک سدهای دیگری  
 پیدا شود و به مشکلات بیفتید بنده تمام اینها را من بساب  
 ذکر عرض میکنم. اولاً این مسئله تمهد اسامی شاید  
 یک اشخاص زیادی را بیکار خواهد کرد یعنی تجار کوچک  
 و کسانی که معاملات کوچک دارند از بین میرید و البته  
 در مقابل یک منافع بزرگی که دولت در نظر دارد این ها  
 قابل تحمل است و باید تحمل کنند چون دولت نظرس  
 به تعادل صادر و وارد دارد و هر کس منکر این مسئله  
 شود البته خیلی آدم بی فهمی است. هیچکس نباید منکر  
 این مسئله شود. ولی در عین حال این مسئله را با تمام  
 ملاحظه کرد و اگر کسی بجای تمام این قانون و بجای تمام  
 این حرفها یک اداره کل صادر و وارد نهی بکند منتهی  
 به معیت تجار و خود مردم و اشخاصیکه طرف اعتمادان  
 هستند و از آنطرف هم یک تجار کوچک و یک اشخاص  
 کوچکی که از این راه نان میخورند یا کسب میکنند  
 آن ها را عامل خودشان قرار دمد که تحت نظر اداره  
 تجارت کار کنند بهر است نانی هم معظورات تولید شود.  
 والا ممکن است تولید خیج زحمت بدهد و عده زیادی  
 هم ممکن است از بین بروند. قیمت دیگری که فرمودند

راجع بقایاق که این قایاق از قانون جلوگیری میکنند بنده عقیده ام بکسی نقطه مقابل است و عقیده ام این است از قایاق جلوگیری نمیکند برای خاطر اینکه همان یک ذرع چهاروار را هم فلان آدم قایاق خواهد کرد و هیچ مانعی ندارد که اگر راهی فرضا برای قایاق ورود در دست باشد برای صدور در دست نیست همان طوری که آن بام بادی قایاق که در روی دریا است آن کتی بادی در دریا میآید و مال التجاره قایاق نوری آن حل میشود و همانطور که توی صحرا خالی میکند مال التجاره قایاق ممکن است ببرد و صادی در مقابل او صادر کنند پس قایاق زیاد تر میشود تصور میکنند این قانون هم از قایاق جلوگیری میکند با تکلف بکنند خیالات و منظور شمارا. بنده تصور میکنم این است که من یاب نذکر عرض کردم.

**رئیس کل تجارت** - اینکه آقای طهرانی معتقدند که دولت خودش باید تصدیی صادرات و واردات بشود این خلاف عقیده خودشان است برای اینکه در ضمن فرمایشاتشان دلوزی میفرمودند برای يك عده تجاری که از بین میروند. اگر خود دولت تصدیی شود بکنند باید بیرون بپوشند خانه شان. وقتی دولت خودش تصدیی شد ولو يك اداره خبیل و سببی هم درست کنند فرض کنید باز دوستی نفر تاجر لازم دارد نه پنجاه نفر تاجر الان بطور تخمین پنجاه نفر تاجر صادر کنند و وارد کنند از تاجر و عامل و قلال در تمام مملکت و شهرها هستند. خوب این پنجاه نفر در صورت تصدیی دولت میروند خاندان و بیکار می نشینند مصلحت نیست و بملازه این فکر شما بیاک رژیم دیگری مناسب است بالاخره با حفظ اصول زندگی خودمست مناسب نیست. يك مطلب دیگر راجع به قایاق فرمودند. از زیاد شدن قایاق نرسید برای اینکه يك عامل مهم و موثر قایاق و کک بقایاق نسیلانی است که ذوقست اسماری حاصل میشود اگر شما بکسکلات اسماری برای قایاقی درست کردید در خارجه هم

بما فرستادیم مفت چیزی میدهند این بالاخره به مشکلات برمیخورد و کمر میشود بنده عرض نکردم که بکلی قایاق از بین میروند حالا البته يك مشکلات در طی اجرائی این قانون ممکن است پیش بیاید شاید اصلاحاتی پیش بیاید که در ضمن اجرائی قانون صلاح باشد تغییراتی داده شود و البته در موقع خواهد شد. يك سال يك سبستی این قانون انحصار اجرا شده. حالا هم باین سیستم اجرا میشود البته يك اصولی هم ممکن است در ایندن پیش بیاید برای این قانون که بعد از بکسال دیگر معلوم شود مثلاً سه شصت صبیح است دوازده اشتباه است وقتی این نکات دیده شد با اول فوری عزم کرد وقتی که این انحصار تجارت را از دست قبول کرد این موضوعی و خودش و تجسرهاش و فرازهایش از پیش رویش کنن اشکالی ندارد.

**رئیس** - آقای حاج امین.

**حاج میرزا حبیب الله امین** - عرض کنم در قسمت ۱ ج ۱ از ماده هفتم يك كده اشتباه شده است باید نوشته شود از تاریخ صدور چنین نوشته شده از تاریخ فروش اسما نشش ماه. این يك اصلاحی است آقای یاسائی هم موافق هستند.

**رئیس** - اجازه میفرمایید.

**رئیس کل تجارت** - بطور کلی تصدیقات صدور از تاریخ فروش اسما اعتبار پیدا میکند. ولی اگر يك اشتباهی که قبل از صدور يك اسماری فروختند و یا چند صدور اگر چند صدور فروختند همان تاریخ فروش اسما محسوب میشود و اشکالی ندارد عبارت قبل. ولی اگر يك یکسال قبل اسما ابرفروخته شود چنانچه الان هم هست گویای های خارجی هستند در کرمان و عراق و بعضی جاها که قبلاً اسماری میفروشد برای اینکه قران بگیرند بدهند به علاججات قلی تهیه میکنند اینها ممکن است قبلاً يك اسما فروخته باشند اگر گفته شود موقع صدور اینها در موقع صدور معاف میشوند و اگر گفته شود تصدیی صدور اسما نشش ماه ممکن است اگر کوشش ماه و پنج روز قبل از

صدور فروخته باشند آنوقت موقع صدور معنی ندارد. بنا بر این در این مورد بخصوص باید گفت از تاریخ صدور. و الا بطور کلی از تاریخ فروش است. در هر حال پیشنهاد را قبول میکنم

**رئیس** - آقای ملك مدنی

**ملك مدنی** - عرض آنند بنده در تعقیب آن عرایضی که کردم باز عرض میکنم راجع بمحصلین خارجی که به خرج اولیای خوششان بفرستند. يك تبصره یا پیشنهاد کرده بودیم که باین ماده اضافه شود اولیای این محصلین مجاز باشند که برای مسافرت و اعانت آنها اجناسی از داخله بفرستند در صورتیکه نهاده اسماری نداشته باشند. بنده و جمعی از آقایان که این قضیه مبتلا به ما است مأمورمان این است که پس از گذشتن این قانون تهیه اسما بر اینان خیلی مشکل است برای اینکه مطابق این قانون باید بیاک مراجعه کرد و بانگ هم اشتخاسی که اسما داده و جنبه تجارتی دارند آنها را مقدم میدارد. و همان طور که آقای یاسائی اشاره کردند يك کژی غیر سرشی پیش آمده و هست و باید سه عهه با تکلیف بازشیم تا به بنشیند دولت کسی که اسماری پیدا میکند که بلامتیب باشد. و آیا پیدا میکند باز؟ این است که بنده و جمعی از آقایان در نظر گرفته بودیم در این ماده پیشنهاد کنیم اشتخاسی که محصلین تجارتی بفرستند آنها اجناس و اشیا را بفرستند بخرایج کرده باشند. به آقای وزیر عدلیه هم عرض کردم فرمودند در یکی از مواد دولت اجازه دارد که بعضی اشتخاسی را از بعضی اسماری معاف کند و ممکن است اگر چنانچه ما اجناسی بگیریم که دیگران احتیاج دارند از آن ماده بتوانیم استفاده کنیم یعنی وضعیت محصلین را تأمین کنیم. این است که بنده خواستم نذکر بدهم که ایشان يك جوابی بفرمایند و این قسمت را در نظر بگیرند که حقیقتاً وضعیت آنها را تأمین کنند و اگر هم بنای دولت بر این است که این محصلین بر کنند سر پرست آنها دولت است و اولیای آنها اختصار کند که از حالا تکلیف دیگر خرج مسافرت آنها را

**وزیر عدلیه** - البته آقایان نمایندگان محترم تصدیق دارند که دولت خورشی با اجرام محصلین تجارتی موافق است. بنا بر این بدین است دولت میل دارد تسهیلاتی که معتر باسما کار نباشد قائل شود ولی بنده بطور خصوصی بقا عرض کردم و عرض نکردم که پیشنهاد بدهم در مجلس که اگر کسانی اجناسی بخرایج میفرستند از برای آنکه آن اجناس بدل شود به پول خارجی میتوانم باین ترتیب خرج کسانی را

که برای تحصیل فرستاده اند بدهند و از همد معاف باشند. این مسئله را بنده عرض نکردم و هیچ ضرورتی نمیآید. اگر حقیقتاً هیچ طریق دیگری نیست برای وضعیت محصلین آنوقت البته ممکن است دولت نظر بآن ماده که حق دارد در بعضی از موارد بعضی از صادر کنندگان را از سهم دولی اسماری معاف بدارد ممکن است این کار را هم بکند. ولی بنده بطور قطع عرض نکردم. بنده باین عرض فرمودم اینجا که بنایید بگوئید بنده از طرف دولت هیچ تعهدی نمیتوانم بکنم فقط چیزی که میتوانم نهاد کنم این است که دولت تمام سعی خود را خواهد کرد برای اشتخاسی که خارج تحصیل میکنند که آنها با تسهیلات ناقص برنگردند از بی پولی. و با اینکه در مضمیق بی پولی نمادند حالا ما باین ترتیب با بطرفه دیگر مجاله بنده تقاضا میکنم این پیشنهاد را حالا ندهید و همانطور که آقایان دیگر خیال کرده اند حالا باشد.

**رئیس** - آقایانیکه با ماده هفتم با آن اصلاح موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. آقای رئیس کل تجارت فرمایشی دارم؟

**رئیس کل تجارت (یاسائی)** - خیر.

**رئیس** - ماده هفتم قرائت میشود.

ماده هفتم :  
( بشرح آتی فراتر شد )

الف ) دولت مکلف است پس از اعلان سهمیه های مذکوره در ماده ۳ و موضوع نمودن میزانی از اجناس مزبور که ورود آن برطبق قراردادهای خصوصی یا بهسبب ابد حق وارد نمودن بقیه اجناس سهمیه را بوسیله جوازهای ورودی یا بخشش یا به واسطه امتیازات تجاری و اکتاف نماید (ب) برای تحصیل جواز ورود هر درخواست کننده باید در خود ملکیتی باشد مگر نوع و میزان آن مبلغ اجناس ورودی و عوالت و مجید و مکرر خانه که از آن اجناس وارد خواهد شد و اسم و شهرت در خواست کننده و مدتی که در آن جنس وارد خواهد شد و سایر توضیحاتیکه از طرف اداره کل تجارت معین خواهد گردید یا اداره مزبور بدفع باستانهای مواردیکه درایستاقان معین شده در خواست کننده باید معادل قیمت جنس موضوع درخواست تصدیق صدوری که نهاد اسماری ناشی از آن انجام شده باشد بدرخواست خود شمیمه نماید و الا بدرخواست اوراق تریب اثر داده نخواهد شد در غیر موارد مستثنیه اندر جنس جواز ورود یا تغییر تصدیق های صدور که نهاد اسماری ناشیه از آنها انجام نشده باشد ممنوع است .  
ج ) اداره کل تجارت مکلف است با مراعات شرایط مقررده قانونی و میزان سدی درودنیاج مبلغ تصدیق صدوری که نهاد اسماری آن انجام شده باشد جواز ورود بدرخواست کننده بدفع در جواز اطلاعات مذکوره در مقدمه (ب) این ماده و توضیح باین که جواز ورود برطبق تصدیق صدوری که نهاد اسماری آن انجام شده است باید ذکر شود همچنین در جواز ورود مدت اعتبار آن که متناسب با مدتی که برای وارد کردن جنس لازم است خواهد بود باید ذکر شود و در ظرف مدت مزبور گرفته جواز مکلف به وارد نمودن جنس موضوع جواز خواهد بود . والا باید اسماری را که برای وارد نمودن جنس خود از دولت و با بانکهای مجاز خرید است یا فرعی میبوی بانک بفرشده مسترد نماید . در هر حال مدت اعتبار جواز

از شش ماه نباید تجاوز نماید در جوازهای مذکور نهادت وارد کنندگان از قبیل عدم احکام و فروش جنس بقیمت عادلانه و تبعیض نکردن در فروش و امتثال آن معین خواهد گردید .  
د - دولت و با بانکهای عامل دولت مکلف می باشد که در مقابل اینگونه جوازها اسعار معینه در آنها را بساحبان جواز برونشود .  
ه - جوازهای ورودی اسمی بوده و بدیگری قابل انتقال نخواهد بود .  
و - در مورد ذیل میبوان جواز ورود بدون اخذ قبل تصدیق صدور داد .  
اولاً در مواقعی که دولت برطبق مقاولاتی مقرران خصوصی را برای واردات و صادرات قبول نموده باشد ثانیاً در صورتیکه درخواست کننده جواز نهاد بانکی بدهد که ناشی ماب بعد از صدور جواز اگر تصدیق صدوری که نهاد اسماری ناشیه از آن انجام شده باشد با اداره کل تجارت نداد معادل قیمت جنس ورودی خود اسعار خارجی بدون فروش .  
ز - سایر شرایط مربوطه بدان جواز ورود و طرز تقسیم جنس و میزان آنکه ممکن است دفعه یا بخشش و مؤسسات مختلفه داده شود بر طبق نظامنامه که بتصویب هیئت دولت رسیده باشد معین خواهد گردید .  
رئیس - آقای رحمتا

بنام ماده ۴ دولت را که رأی داده شد مجدداً فراتر میبکیم برای اطلاع آقایان .  
دولت میبواند در موارد ذیل وارد کردن اجناس خارجی را که تحصیل آن در محل مصرف در داخله ایران اشکال داشته باشد از الزام صادر کردن محصولات ایران برطبق اجازه مخصوص معاف دارد . چه چیز است آنها ؟ اول اجناسی که دولت برای احتیاجات خود مستقیماً وارد میکند بنده می خواستم اول سؤال کنم اجناسی که دولت برای احتیاجات خودش وارد می نماید در چه حدود است که تصدیق صدور معاف است ؟ بنده اینطور شنیدم که اینجا گفتند ده ملیون ده ملیون اقلش است با بیشتر . ده ملیون بدون صدور محصولات ایران وارد میشود . آنوقت معافه چطور میتوانیم بکنیم در صورتی که ما ده ملیون وارد میکنیم بدون اینکه خارج کنیم چرا دولت را مکلف نمی کنید که برود تصدیق صدور بخرد ؟ تا معافه حاصل شود بین صادر و وارد ما این کار را نمیتکنیم اجازه بدهیم که دولت ده ملیون بدون تصدیق صدور وارد کند آنوقت هم میتوانیم اگر وارد کند اگر صادر کند اگر ورعه و نفاضا باشد دنیا بهم میخورد . این یکی آقا . از طرف دیگر . بگفته دیگر ما مادری و آن اینست که در مقدمه این لایحه میبویسد اجناسی که دولت برای احتیاجات خود مستقیماً وارد می نماید در حدود اسماری دولت وسدی پنجاه اسعار حاصله از صدور اجناس انحصاری دولت . موارد اسماری دولت در چه حدود و چه قدر است ؟ این مقرر ما صاحب نمیکنیم . خیلی است . ما امسال اعتراض داریم یک کیان که غیر حق آمد حقوق ما را کم کرده . مقام اعتراض داریم با رسال چند روز ؟ یک ملیون و دویست و پنجاه هزار یون بود . عوارض دیگری هفتصد هزار لیره بابت تذکره در حدود در ملیون بودند این دو ملیون بودند در حدود واردات و صادرات ما تأثیر دارد با ندارد ؟ این که اینست نسبت لیره هم علاقه مندند که صادر و وارد معامله داشته باشد

ولی اگر این علاقه مندی هست دولت هم مثل یک نفر تاجر باید برود و تصدیق صدور برای خودش بخرد . باید بوجه دولتی یک میلی برای اینکار بگذارد صد هزار تومان . پنجاه هزار تومان برای تصدیق صدور . آنوقت معامله صادر و وارد حقیقتاً میشود . ولی وقتی که این را نگذاشتیم . دولت خواست ده ملیون وارد کند و تصدیق صدور هم ندهد این معامله نمیشود و نارض غرض است . البته هائی ندارد . دولت برود عوض ده ملیون بیست ملیون وارد کند در ضمن ضمنی ندهد . ولی باید تصدیق صدور بگیرد . آدم سر ماده هفتم - هشتم . یک اصل هست که هیچکس نمیتواند اکتاف کند و آن این است که باع پیدا است و مشتری غنی . کسی که چیز میفروشد محل دارد . خیابان دارد . مکان دارد . آدرس دارد . سر لوجه دارد تا باور دارد . ولی مشتری کیست ؟ معلوم نیست و غنی است . یک مؤسسه تجاری وفق که میخواهد جنس بفرشده نمیتواند بگوید مشتری اینست . ولی من که میخواهم جنس بفروشم میگویم مکان من اینست . و اینست جنس را در چطور و آقا سابق بر این مشتری یک چیز معین داشت . صدور معین داشت . یعنی اگر بنده میبکتم صد هزار تومان خارج کرده ام . این جنس را که صد هزار تومان ده هزار تومان از مملکت خارج کرده بودم که بدم در بازار امریکا یا اروپا یا رایش مشتری پیدا کنم حالا که مشتری پیدا نیست تصدیقش را در بازار طهران میفروشم یکی میفروشم بوارد آقا فاده فروخته ام اینست ملاحظه انشودن یک مرد دیو که صادرات دولت تومانی بر سر رسیده بود نقداً برای آنکه من میبکتم اگر هزار تومان جنس خارج کنم دویست تومان آنرا تصدیق صدور میفروشتم و بیبارت دیگر از طهران میکرفتم . ولی امروز ملاحظه کنید این کار را دیگر نمی توانیم بکنیم . یعنی امروز که جنس را خارج میکنیم باید بیزیم در اروپا . وقتی که فروختیم من حبت المجموع همان دویست تومانی که این جا گرفته ام میگیرم و هم هفتصد تومان را . هزار تومان را باید بگیرم . و این

فرش خیل زیاد است. فقهه مقابلش است. کیکه وارد می کرد جنس را مجبور بود صد بیستش را از دست بدهد و مطلوب ما هم همین بود که برای ورود مال التجاره اشکل تراش کنیم. صد بیست پول مال التجاره را قبلاً باید بدهد اول مجبور بود صد بیستش را بدهد بعد وارد کند. حالا آن ترتیب بهم خورده یک مؤسسه خارجی فرض بفرمائید دارای یک میلیون تومان سرمایه است. این مؤسسه دارای اسعار خارجی است چون دست دارد خیل خود میخواند در مقابل جنسی که صادر میکند اسعار خارجی را بر بد بدهد و تصدیق صدور بگیرد و وارد کند ولی فلان تاجر داخلی که امروز کثیراً صادر کرده بابت اعتبار بفرستد بفلان نقطه. و این جا چنین اعتباری ندارد که امروز بنویسد امروز بدهد اسامی بشما بدهد در این نکته خبلی وقت بفرمائید. یکی از وقتا تذکر دادند فلان مؤسسه خارجی میآید و در مقابل هر مقدار از اسعار شما فوراً جنس صادر میکند و قهقهش را انجام میدهد و پولش را میدهد اسعار خارجی را میدهد و جنس وارد میکند. آن وقت نتیجه این میشود که اسعار او وارده هست. و این صدمه میزند به تجار کوچک و وسطیان تجاری را حقیقتاً مختل میکند. ما اینته مطالب را از نظر تذکر میگوئیم. ما میخواهیم وابسته کنیم و وابسته الفاظ نداریم. و میخواهیم ژو و بازی کلمات بکنیم. اینها یک چیزهایی است که بما میگویند و ما با یاقابان میگوئیم. ما باید امروز بگوئیم که این سانی که دولت قرار میدهد در مقابل تصدیق صدور و این سدی هست تعهد اسامی که گذاشته ایم در مقابل تصدیق صدور که بایستی این پول پرداخته شود دیگر که بکنند که این کار را بکنند تجاری میشوند این کار را بکنند که تصدیق صدورشان را همانوقت بفرستند آقای وزیر عدلیه که سابق فرموده بود که اسعار کرم خبلی خوب است. خبلی خوب. ما هم قبول داریم که خبلی خوب است. ولی با ما گذاشته اید در مقابلش. اگر صادر شد ولی پولش نباید من معلقه. همه معلقه اند. این چیزی اند. صادر کرم خبلی خوب است یا اگر پولش نیاید ما

معلقانیم. اگر همه موافقتند ما هم موافقت میکنم صادر کرم باید زیاد باشد ولی باید دید به کجا میرسد این زیاد کرم این صادر کرم موازنه حقیقتش شده یا نشده. اگر ما این قسمت فقهه بیابیم و بنام دولت مبلغی بگیریم و بگیریم که دولت فلان. وزارت مالیه. وزارت معارف که میخواهد یک چیزی وارد کند باید تصدیق صدور بگیرد آتوقت موازنه حقیقی پیدا شده و تمام کمرانی هائی که هست رفع میشود یک تذکره بده دادم که ابتلاهی آن برای خود آقای وزیر عدلیه هم پیدا شده و بخوشش عرض کردم. بعد از این قانون انحصار تجارت نهادهای اسامی که تاکنون از طرف تجار شده و هنوز انجام نشده و پولشان را نداده اند و آن مورد تعقیب اندا خواش دارم بفرمائید چند نفرند؟

**وزیر عدلیه** - قریب پنجاه نفر.  
**دهنما** - این یک زحمتی است که برای خود آقای وزیر عدلیه هم تولید شده که باید آنها را تعقیب کنند این کار اگر توسعه پیدا کند بالاخره کجا میرسد؟ پنجاه نفر؟ فرق نمیکند اجازه بدهید. کسی که تجارت نمیکند اگر قبلاً مجبور باشد بفرستد این تجارت میخواهد. شما خبلی میکنید او چه میکند؟ وقتیکه دید نمیتواند ووزعت دارد ول میکند. پس باید یک تصدیق بکنند که او هم کار کند. عرض کنم تصدیق صدور سابق بر این در این مملکت زحمت داشت. البته باید در تصدیق صدور با وقت کسبند که نیابند آب بیرند بجای روغن یک تابلو را بر میدارند میزنند و دولت هزار تومان قیمت برایش معین می کند و اثباتک میزنند. این را من باب تذکر خدمت آقایان عرض کردم و الا میدانم که در این قسمت این ماده هم بهمین شکل میگردد و ضروب میشود برای اینته مطالعه شده و اکثریت هم رای خواهند داد و همه موافقتند. ولی این را عرض کردی برای اینته آقایان همه چیز را مطالعه کرده باشند تا بداند همه چیزها معلوم است و هیچ عوایدی از این نیبرود؟ قطعاً همین است که هست و این یک فکر سنجی است که بدون تردید منافع و سعادت مملکت هم درش هست و همه

در این موقع ظهر ۴ یک بعد از ظهر اتفاق دارند بگذرد (یعنی از نماندگان - بزرگ دو بعد از ظهر) و کرته ممکن است قدری درش بحث کنند ضرر ندارد بگفتارونی بکساعت دربر تصویب شود ولی با قدری تصویب شده باشد.  
**اعضو** - اگر فراقیون تشریف آورده بودید این حرفها را نیزدید افسوس که تشریف نیاوردید و مقام این حرفها را بکساعت بعد از صف شب زدم  
**وزیر عدلیه** - آقای درو اینکه معادله صادرات و واردات باید بشود تمام استدلالات خودشان را بچندین و روری او تکمیل میکنند. آقایان میدانم ما که صادرات و واردات بیکوئیم مقصودمان صادرات و واردات جنس نهایی است بلکه مقصودمان روبرو مرقه صادرات و واردات است اعم از مرغی و غیر مرغی و جنسی و غیر جنسی. این دو حساب باید تعادل کنند فرض کنید اگر یک کسی بود که میخواست در سال چهارده میلیون هم تنزیل پولش میشد و با عواید دیگر او بود که از خارج برایش می فرستاد. این مبلغ هم مثل این بود که صادر کرده باشد. ما روی این حساب هشتاد دولت او عواید اسامی دارد شما میفرمائید دولت باید برود تصدیق صدور بخرد. برای چه؟ دولت یا عواید اسامی دارد یا ندارد. اگر وارد این عواید اسامی را این است که صادرات غیر مرغی دولت است یا صادرات مرغی است که دولت بوسیله غیر مستقیم یا بوسیله اشخاصی بدست میآورد. فرض کنید مثل اغصان. یک قدری از صادرات مواد اغصانوار اشخاص بخرند و از آسمان بدست دولت نیامده که حالا شما خیال بکنید دولت آمده و در بازار اسعار آورده و اگر اسامی خودش دارد که میخواهد با آن احتیاجات خودش را مرتفع میکند اینها هم اشکل ندارد شما هم جدی قرار گذاشته اید که در حدود اسامی که دولت دارد میتواند احتیاجاتش را رفع کنند. میفرمائید اسعار از کجا پیدا میکنند؟ ما

که متهم شدیم آقا هر چند میلیون باشد. راه آهن این مملکت را بنیود آقا با صحبت و اینک که بنده کتیار با کم دست کرد. حالا بنده میرسد بقسم دوم تا به بنیم عیب او کجا است. بنده اول عرض کردم که ضرورت ندارد و ضرر دارد و برای اینکه دولت مثل سایر افراد بدست. خودش اسعار دارد اگر صادر میکند برای این است که اسعار بدست نیابود پس اگر اسامی در دست نیست بواسطه صادرات غیر مرغی و امثال ذلک محتاج تصدیق صدور نیست. پس از این حیث ضرورت ندارد اما در آن قسمت دیگری. وقتی که بنده دولت آمده و خواستیم در بازار تصدیق صدور بخرد دیگر شما بفرستد جنس دارید که صادر کنید. در سال شما فرض کنید (از روی رقم عرض میکنم) پنجاه میلیون تومان جنس صادر میکند معادل آنهم پس از وضع تمام چیز هائی که زدم تقریباً نزدیک به این است هم جنس باید وارد شود تا معادله حاصل شود. این شد آقا. اگر دولت آمد و بفول جابجایی (رقم خودشان را بگیرم) ده میلیون خواست از این رقم در بازار تصدیق صدور بخرد. چهل میلیون دیگر که بیشتر تصدیق صدور دست نماند. این آتوقت این چهل میلیون تصدیق صدور که دست مردم است اجازه بدهد که خود و پنج در صد از آن جنس وارد شود از خارج. اجناسی که امروز دولت گذاشت است وارد شود اینها است که دولت تشخیص داده که باید وارد شود. و کدام یکم زیاد هم دستش زیر و کرد. و واقعا طرف احتیاج است. و اگر بنا شد از این اجناسی که طرف احتیاج است بآن پیش از این بزیمنه این چیز یک قدمتی طرف احتیاج است قبشش این اندازه زیاد خواهد شد. من باب مثال عرض می کنم جنس قوت بگزارید بزرده بیلیون. بعد بواسطه این که در بازار گذاشتند ...  
 (در این موقع آقای طهرانی برای خروج از جلسه حرکت کردند)  
**رئیس** - ما دو دو دفتر برای رای می خواهیم. بنود سه نفر شماره کردیم. یک نفر که برود کتیار کار کرد

یکی از نمایندگان - آقایان - با هم می‌آید.

**پوشه‌ری** - در این ماده يك اشتباهی است که باید تذکر داده شود و اگر اجازه بفرمایند بنده عرض می‌کنم.

**اگر** - راجع به کفایت مذاکرات بفرمایند.

**وزیر عدلیه** - دلبلیز را بگذارد. اشتباه را بفرمایند **پوشه‌ری** - اشتباه در این است که اینجا نوشته که اگر شخصی یا نه سه تهمد باید بدهد که یک چیز را وارد کند و این از مدت مینی تجاوز کند صدق کسر می‌شود. که اسرار آن انجام داده نشده بدهد بدون یک

پزشد. بده عرض می‌کنم این اشتباه است چرا؟ بجهت این که اگر بطور عادی و معمولی اگر یک نفر بخواهد یک جنسی صادر کند چه باید بکند؟ باید نهاد اسرار را مطابق قیمت خودش بدهد به دولت آنوقت می‌آید دو مرتبه آن نهاد اسار را از دولت پس می‌خرد و این اسار را که از دولت می‌خرد مصرف می‌کند برای ورود جنسی حالا شما می‌گویید اول که آمدی جنس را وارد کردی پولش را باید بدون بدهی. این بطور می‌تواند این کار را بکند. من باید نهاد بکنم که بداز شش ماه یا سه ماه بعد از یک مدتی دو برابرش صادر بکنم و یک بانکی هم ضمانت بکند که بده اسرار را بفروشم یا صدق صدوری که نهادش انجام شده داده باشم آنوقت پول این جنسی که وارد کرده ام از جیب باید بیارم. این جا فکر ندهد. اگر بفرمایند اسار را برای خرید آن وقت جنسی که مصرف کرده‌ام باید از این محل داده شود. این نمی‌شود. این جا اشکالی است که باید رفع شود یعنی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

**رئیس** - منظر شریف فرمائی آقای افسر هشتم که عده برای رأی کافی بشود

(در این موقع آقای افسر وارد شدند)

**رئیس** - آقایانیکه با ماده هشتم موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده نهم قرائت میشود. ماده نهم - الف) گمرک‌خانه‌های ورودی محکوم می‌باشند

**اگر** - بمیریم آقا. هشتم.

**وزیر عدلیه** - بنابراین اگر نباشد ما آمدیم خواستیم برویم از این بازار تصدیق صدور بخریم جنس هم بالاخره کم وارد می‌شود برای احتیاجات جنسی که کمتر وارد شد مردم بیشتر در منتهی می‌افتند. این را نمی‌گوئیم و تحمل می‌کنیم. ولی به بینیم معروض کجا است؟ این است که بدهد که باید داخل ثلثت صادرات بکنم پارچه پوشم. قند بخرم و امثال ذلک. و این را بکنم کارگر هم باشم چون نوق العاده.

**رهنا** - وطن.

**وزیر عدلیه** - من دو دفعه مسئله است یا اینکه بخواهیم هدیه‌گر را هر کوچه. وقتی که نباشد شما آمدید یک قسمت آنچه را که طرف احتیاج بود ورودش را زدیم بالاخره به من هم فشار می‌آید. شما هم می‌آید. این بازار آن بازار آنوقت جنس خیلی ترقی می‌کند. من باید چسرا خیلی گران بخرم. مصرف‌کننده بالاخره احتیاجش را وارد کردند. وقتی که این قدر جنس گران مصرف کردیم و گران خریدیم آنوقت بطور می‌خواهد که پنهان و قیمت سابق بفرشیم. وقتی که گران فروختیم وضعیت صادراتمان آنوقت بد می‌شود و ضررش نه تنها این است که بطور غیر منطبق باعث جلوگیری از صادرات می‌شود بلکه اگر دولت می‌خواست خودش تصدیق صدور بخرد اصلا این ضرورتی نداشت. دولت بیواسطه اسار را دارد (ممانع‌گرم عرض کردیم) و به دستش است همان اندازه البته باید وارد کند. و اگر هم اسار نداد که نمی‌تواند - پس این اشکالی ندارد. جنسی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

**پوشه‌ری** - بنده مخالم یعنی از نمایندگان - رأی بگیرم.

**رئیس** - می‌خواهند دفاع کنند و بفرماندهای بیست **پوشه‌ری** - در اینجا نوشته شده است که اگر یک

شخص یکی از نمایندگان .. در کفایت مذاکرات بفرماید.

**پوشه‌ری** - یک ایرادی دارم. باید عرش کم بجه دلال.

در موقع خروج اجناس ورودی از گمرک یا بدخله مالک قیمت آن اجناس را بدقت مطابق نرخ عمده فروش بازار دختر ورود تعیین نموده و مطابق آن جواز ورود دریافت دارند - جوازهای ورود مزبور از طرف گمرک باطل شده و برای اداره کل تجارت باید ارسال شود.

هرگاه در محل دختر ورود بازار عمده فروش باشد قیمت نزدیکترین بازار عمده فروش آن جنس را اخذ و تقویم واقع خواهد شد. حقوق و عوارض گمرکی و کرایه از سرحد تا محل دختر ورود از قیمت عمده فروش کسر می‌شود.

ب) در صورتیکه اجناس بطور عمده فروشی در سرحد بفروش برسد قیمت عمده فروش را مطابق نمودن منقعت مختصری اساس تقویم خواهد بود. نهمه - سایر مقررات مربوطه به تقویم واردات بموجب نظامنامه که به تصویب هیئت وزراء رسیده باشد نظیم میشود چ) گمرک‌خانه‌های ورودی مکلف می‌باشند که حسب تقاضای واردکننده جنس بلاخره تصدیق ورود جنس مزبور را با تعیین قیمت تقویم و ذکر جواز ورودی که اختیار آن جنس وارد شده است بهشارالیه بدهند. د) تصدیق‌های ورود مذکور نهاد استرداد اسرار خریداری شده از دولت و یا بانکی عامل دولت را برای وارد نمودن اجناس زایل نمی‌نماید.

ه) وارد نمودن اجناسیکه در سهم‌ها ذکر نشده باشد بوسیله اشخاص و مؤسسات مختلفه به گمرک و قبول کردن اجناس مزبور از طرف گمرک بدون اجازه دولت ممنوع است.

و) وارد کردن اجناس ذیل محتاج اذانه جواز ورود نمی‌باشند.

۱ - اشیا که بطور ترازیت و یا کاپرناژ وارد می‌شود.

۲ - اسباب سفر و اشیا شخصی مسافران.

۳ - طلا و قره بشکل شش و خاک و مسکوک.

۴ - روزنامه‌جات و مجلات و کتابک و امثال آن.

ذ) برای اجناسی که بیوان عدیه و سواک و یا نوز و یا دکام وارد می‌شود در حدود نظامات مفرده از طرف دولت و بشرط صدور اجازه مخصوص دولت در هر مورد جواز ورود بدون اخذ تصدیق صدور داده خواهد شد.

ح) دولت می‌تواند ساخته شدن اجناس ورودی را بطور خاص یا بسته شدن آنها را بشکل مخصوص شرط ورود قرار دهد.

**رئیس** - آقایانیکه با ماده نهم موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده دهم: وارد نمودن اجناس خارجی بپاک ایران علاوه بر اجرای مقررات امتصارت تجارت خارجی مشروط بآنچه حقوق و عوارضی که در موقع ورود اخذ می‌شود در روی اساس پول طلا خواهد بود. حقوق و عوارض صدوری نیز در روی همین اساس اخذ می‌شود.

**رئیس** - آقایانیکه با ماده دهم موافقت دارند قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده یازدهم قرائت میشود. ماده یازدهم - الف) کلبه اجناسی که برخلاف مقررات این قانون وارد ثلثت بشود قاچاق محسوب و به نفع دولت ضبط و فروخته می‌شود و مرتکبین به حبس از شش ماه الی یکسال محکوم خواهند شد.

ب) کلبه معاملات اسرار خارجی که برخلاف مقررات این قانون بدل آید قاچاق محسوب شده و مرتکبین (بجزم) که در مقام و اولین) بطور نظامانی بر ادوات جرمیه معادل یک برابر موضوع معامله محکوم بوده و علاوه ممکن است به حبس بکده تا یکسال محکوم گردند.

ج) اشخاصیکه تهدات صدوری و تهدات اسارای خود را در مدت مینه انجام ندهند و از طرف دولت مهلت یا ممانعیت نسبت به تهدات اسارای آنها داده نشود همچنین اشخاصیکه اسرار خریداری شده برای واردات را در صورت وارد نمودن جنس در موقع مینه مترد نمانند علاوه بر اجرای تهد خود محکوم به تأدیبه تا نخس مبلغ تهدی خود به پول ایران بتوان جرمیه خواهند شد.

بهره - در صورت عدم تأدیبه جرائم مذکور در فقرات و ب) و ج) این ماده وعدم امکان اخذ آن از مجربین

بشار الوم به حبس از سه فاششاه محکوم خواهند شد. (د) مأمورین دولتی که بر خلاف مقررات این قانون امتدین صدور و یا جواز ورود و یا تمدیق ورود بدهند و یا مالالتجاره صدور و ورودی را برخلاف مقررات قانونی توزیع نمایند و همچنین مأمورینیکه بدون جواز ورود و یا اجازه مخصوس دولت اجازه خروج اجناسی را از کمرکخانه برای ورود به ملکیت بدهند و یا از صادر کنندگان در موقع صدور چسب تمهید اسرار خارجی نگیرند (در صورتیکه از تمهید اسرار خارجی معاف نباشند) سپس از بکسال تا پنجسال محکوم خواهند شد و بهلاوه از خدمات دولتی باور دائم منقض می‌شوند. (ه) اشخاصیکه تصدیق صدور جواز ورود و تمدیق ورود جعل نمایند و یا اسناد مزبور را که باید باطل شود دوباره پجریان بنه‌آزاد و یا از نسخ متدده اسناد مزبور بخواهند جداگانه استفاده نمایند به مجازات‌های میته برای جعل اسناد رسمی محکوم می‌شوند. در صورتیکه مرتکبین مستخدمین دولت باشند بحد اکثر مجازات محکوم خواهند شد. (و) اشخاصی که برخلاف یکی از مقررات این قانون عمل کرده مرتکب ارتشاء بشوند بحد اکثر مجازات مقرر برای مرتشی محکوم خواهند شد. (ز) بکاشترین معاملات اسرار خارجی و تظلمات از این قانون مدی سی از جرابم مأخوذه جایزه پرداخته خواهد شد.

**رئیس -** ( خطاب بممود ثابنی ) - بیرون تشریف بترید.

**مسعود ثابنی** - بنده در فنای زیرزمین هستم. همین جا **رئیس** - آقایان که با ماده بیازدم موافقت دارند قلم فرمایند.

**ولیر عدلیه** - آقایان اگر اجازه بدهند در عبارت یک اصلاحی شود بهتر است. در این فقره دوآوه نوشته اشخاصی که برخلاف یکی از مقررات این قانون. این فرمول خوب نیست. بجز این است این طور نوشته شود: اشخاصی که با گرفتن رشوه برخلاف یکی از مقررات این قانون عمل کنند بعد اکثر. ( صبح است ) عبارت باید

داشتن سایر رفاها هم بنظور اگر آقایان این اسول و این سیستم کار را لازم الزامیه نپندارند بنده هم از نقطه نظر عقاید شخصی بآن اعتراض دارم. اگر این مذاکرات طولانی شد بنده حاضر م عرض کنم. نمایندگان - اسول باید مراعات شود. **شریعتزاده** - پس از این مراعات خواهد شد. ( البته )

**رئیس** - عرض کنم بنده در این ماده رأی گرفته ام. عد از نمایندگان - رأی نگر کنید. اعلام رأی فرمودید. **ولیر عدلیه** - بعضی این که اعلام رأی فرمودید بنده تصحیح را عرض کردم.

**رئیس** - اگر خود مجلس معتقد است که رأی نداده بسیار خوب. آقایانیکه باین تصحیح ماده یازدم را تصویب میکنند قیام فرمایند. ( اکثر برخاستند )

**رئیس** - تصویب شد. ماده دوازدهم قرائت میشود ماده دوازدهم - این قانون بلافاصله پس از تصویب بموقع اجرا گذارده می‌شود و ادارات مربوطه دولتی مأمور اجرای آن می‌باشند و کلیه قوانین و مقرراتی که تا بحال نسبت بانحصار تجارت خارجی وضع شده و مخالف این قانون باشد از درجه اعتبار ساقط است

**رئیس** - آقایانیکه باماده دوازدهم موافقت دارند قیام فرمایند.

( اکثر برخاستند )

**رئیس** - تصویب شد. مذاکرات در کلمات منی است. مخالفی نیست. آقای شریعتزاده فرماید.

**شریعتزاده** - بنده بک عرض خیلی مختصری دانم چون ما یک سیستم کاری داریم که قبلاً مشورت میکردیم. شود می‌کیم. بعد در مجلس مطرح میکنیم بیازة اخری راجع به بین طرح قانونی دینب باینجا بداز نصف شب مذاکرات و مباحثات در فراکسیون شد ( صبح است ) و در نتیجه مطالبه قرار شد که در این جا مطرح شود اگر بنده خودم را مجاز میدانستم که مخالف نظامات فراکسیون رفتار کنم از نقطه نظر عقاید شخصی بنده هم خیلی مطالب

( ۹ - موقع جلسه بعد - ختم جلسه )  
**رئیس** - اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم میکنم. ( صبح است ) جلسه آینده سه شنبه ۲۸ ثیر. سه ساعت قبل از ظهر. دستور اوراق موجوده.  
**مجلس دو ساعت و ده دقیقه از ظهر گذشته ختم شد**  
**رئیس مجلس شورای ملی** - دادگر

# قانون

## اصلاح قانون انحصار تجارت خارجی

ماده اول - تجارت خارجی ایران در انحصار دولت بوده و حق صادر کردن و وارد کردن کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین میزان و شرایط ورود و صدور آنها در حدود مقررات این قانون به دولت واگذار میشود.  
ماده دوم - وارد کردن هر نوع محصولات طبیعی و یا صنعتی خارجه بایران باستانی مواردی که در این قانون پیش بینی شده است مشروط بشرط حتمی صادر کردن محصولات طبیعی یا صنعتی ایران و مراعات مقررات این قانون است تا سبب وین واردات و صادرات مزبور بر طبق مقررات این قانون مین می گردد بجز آنکه به دولت اجازه داده می شود در مواردی که مصالح اقتصادی مملکت اقتضا نماید اجازه ورود پاره محصولات طبیعی و یا صنعتی خارجه را مشروط بشرط صدور محصولات طبیعی و یا صنعتی مین ایرانی نماید.

بجزیره - اجناسی که بتوان ترانزیت وارد خاک ایران می شود جزء واردات مملکت محسوب نشده و مشروط صادر کردن محصولات و یا صنوعات ایران نمی باشد و ورود آنها محتاج بداشتن جواز ورود نخواهد بود ولی در صورتیکه اجناسیکه بطور ترانزیت وارد میشود از حدود مقررات ترانزیتی خارج و در داخله ایران بصرف برسد وارد کنندگان ملزم با اجرای مقررات قانون انحصار تجارت خارجی خواهند بود. بجز آنکه از اینگونه اجناس عوارض ورودی دو برابر مقابل مأخوذ خواهد گردید و اگر اجناس غیر مجاز باشد بلاعوض از طرف دولت ضبط خواهد شد.  
ماده سوم - الف - دولت مجاز است حق وارد کردن محصولات خارجی را که خود تشخیص میدهد مستقیماً عهده دار شود بشرط معین و در تحت مقررات مخصوص باشناس و یا مؤسسات مختلفه تجارته و اگذار نماید.

ب - برای تأمین این مقصود دولت مکلف است که سه ساله در اول نبرماه که اول سال اقتصادی است صورتی از محصولات طبیعی و یا صنعتی خارجی را که خود متصدی ورود آنها نخواهد بود و اجازه وارد نمودن آنها را در ظرف آن سال اقتصادی باشخاص و یا مؤسساتی خواهد داد اعلان نماید.

ج - در صورت مزبور که سهمیه نامیده می شود میزان هر یک از محصولات مزبور و گمرکخانهائی که از آنجا آن محصولات را می توان وارد نمود و سهم هر یک از گمرکخانههای مزبور مین خواهد گردید.

بجزیره - بشرط تصویب هیئت وزراء در سهم هر یک از گمرکخانهها تغییر و تبدیل لازم می توان داد.  
د - گذاردن اجناسی که در داخله ایران تهیه می شود از حیث مقدار و مرغوبیت کافی احتیاجات مملکتی است

در سهمیه و یا بجزیره دادن اجازه ورود اجناس مزبور برای تجارت ممنوع است.  
ه - نسبت باجناسی که در داخله ایران تهیه می شود ولی از حیث مقدار کافی احتیاجات عمومی نمی باشد فقط بقدر تکمیل احتیاجات عمومی در سهمیه گذارده خواهد شد.

و - سهمیه در صورتیکه ورود پاره اجناس خارجی منازم صدور اجناس مین ایران باشد آن اجناس و آن اجناس متقابل آنها و شرایط مربوطه بصدر و ورود در سهمیه ذکر خواهد شد.

ز - دولت می تواند در ظرف سال اقتصادی میزان و مبلغ اجناس مذکور در سهمیه را اضافه نموده و یا اجناس جدیدی وارد سهمیه نماید لکن حق کسر کردن اجناس اعلان شده در سهمیه را در ظرف آن سال اقتصادی نخواهد داشت

ح - در صورتیکه دولت میزان و یا مبلغ اجناس مذکور در سهمیه را اضافه نماید و یا اجناس جدیدی وارد سهمیه نماید آن اشخاص نیز باید برای اطلاع عامه اعلان شود.  
ماده چهارم - دولت می تواند در موارد ذیل وارد کردن اجناس خارجی را که تحصیل آن در محل مصرف دردخاله

ایران اشکال داشته باشد از الزام صادر کردن محصولات ایران بر طبق اجازت مخصوص معاف دارد.

- ۱ - اجناسی که دولت برای احتیاجات خود مستقیماً وارد نمایند در حدود عوارض اسامی دولت و صدی پنجم اسامی حاصله از صدور اجناس انحصاری در صورتیکه اجناس مزبور از نهد فروش اسامی معاف نشده باشد.
- ۲ - اشیائی که برای فروش نبوده و منحصراً برای احتیاجات و معارف شخصی وارد شود بشرط اینکه اگر اجناس مزبوره برای اشخاص و مؤسسات خارجی وارد شود پول خرید آن در داخله ایران تحصیل شده باشد و اگر برای اشخاص و بناؤسات دولتی وارد شود آن اشخاص و مؤسسات دارای حق معافیت گمرکی باشند و با ثابت نمایند که در داخله ایران تهیه شده است.
- ۳ - اشیاء آلات و قطعات و محتاج آنها که برای دفع حوائج عمومی، موانع از محصولات و محتوجات خارجی و یا بهبودی مبادات وارد می شود در حدود اعتبارات اسامی که از طرف دولت برای این گونه موارد معین می گردد و یا در صورتیکه برای ورود آنها احتیاجی به تهیه اسامی خارجی در بازار ایران نباشد.
- نهمه .. اشیائی که ورود آنها معافیت این قرن از داشتن جواز ورود معاف می باشد از الزام صدور نیز معاف خواهد بود.

ماده پنجم - بجز مواردی که دولت خود تصمیمی صدور محصولات ایران شده و یا حق انحصاری صدور خود را عملاً بشخص و یا مؤسسه و انکار نماید و یا صدور جنس را محدود و یا ممنوع نماید صدور محصولات ایران را بر ارباب مقرر است این قانون آزاد بوده و مقید بقیود دیگری نخواهد بود در حدان حال دولت مکلف است موجبات مرغوب هر یک از محصولات صدوریه مملکت را تهیه کرده و معین نماید که بچه طرز و ترتیب باید تهیه شود پس از انجام مقدمات مزبوره و اعلان آن دولت مجاز خواهد بود از صدور محصولات که مطابق نمونه و شرایط معین نبوده و بواسطه عدم مرغوبیت سکنه بجهت صادرات مملکت وارد نمایند یا جلوگیری کند.

ماده ششم - الف - قطع نظر از توفیقی که ادارات گمرک از نقطه نظر اخذ حقوق و در سرحدات مملکت مأخوذه می گردد بهدلی می آورند در موقع صدور محصولات ایران که صدور آنها بر طبق این قانون اجازت ورود اجناس خارجی را داده و یا منازک نهد اسامی است بسانند اجناسی که قیمت صدور آن بطور ثابت از طرف دولت معین می شود گمرک گناهما مکلف می باشد آن محصولات را بدقت تظویف کرده و قیمت صادرات مزبوره را مطابق نرخ عمده فروشی بازار دفتر صدور معین نمایند و هر گاه در محل دفتر صدور بازار عمده فروشی نباشد باید نرخ عمده فروشی نزدیکترین بازار داخلی مأخذ تقویم قرار داده شود و در صورتیکه محل دفتر صدور در سرحد باشد گمرک اجناس صادره تا سرحد صدور بر قیمت آن افزوده می شود.

نهمه - حقوق گمرکی و عوارض مأخوذه از صادرات در موقع صدور در جزو قیمت صادرات باید محسوب شود ب - پس از حصول اطمینان از این که اجناس مزبور از سرحد ایران خارج گردیده است ادارات گمرک مکلف می باشند که برای هر یک از اجناس صادره تصدیق جداگانه صادر کنندگان و یا نمایندگان آنها باین مندر و مبلغ و نوع و سایر مشخصات صادرات واسم صادر کنند و یا نمایندگی و یا تاریخ و مقصد صدور و گمرکخانه که از آن جنس صادر شده است بدهند. قیمت به اجناس انحصاری بدون صدی پنجم و پنج تقویمی که به عمل آمده است تصدیق صدور داده خواهد شد.

اطلاعات مذکور در دفاتر مخصوصی نیز ثبت خواهد شد.

نهمه .. در صورتیکه صادر کنندگان تقاضا کرده که دعوس بکورقه تصدیق صدور اوراق متعدد تصدیق صدور که مبلغاً تفاوتی با تصدیق صدور یک ورقه داشته باشد به او داده شود باید تفاوتی او مورد قبول واقع شود ولی صادر کنند بجز در دعوس هر یک ورقه نهد اسامی باید بدو و مبلغ تصدیق صدور نهد اسامی بدهد.

ج - تصدیقهای صدور مذکور در فوق قابل انتقال بوده و مدت اعتبار آن از تاریخ اجای نهد اسامی که در موقع صدور محصولات ایران باید به عمل آید تا ششماه خواهد بود.

نهمه - تصدیقهای صدوریه که تا تاریخ اجرای این قانون صادر کنندگان داده می شود و هنوز مدت اعتبار آن بقضی نگردیده و برای اخذ جواز ورود پاداره کل وزارت تسلیم نشده باشد در حکم تصدیقهای صدوریه که بعد از اجرای این قانون صادر می شود خواهد بود ولی این گونه تصدیقهای صدور قبل از انجام نهد اسامی برای دفع نهدات انحصاری در سه ماه اول ۱۳۱۰ میل آمده است متبر خواهد بود.

- د - برای صدور اجناس ذیل تصدیق صدور داده نشده و نهد فروش اسامی خارجی نیز اخذ نخواهد شد.
- ۱ - اسباب سفر و اشیاء شخصی مسافران.
- ۲ - اجناسی که بعنوان هدیه و سوغات و یا نمونه به خارج ارسال می شود بشرط آنکه قیمت آنها از هزار ریال تجاوز نکند.
- ۳ - اجناسی که بطور کاپوتاز از یک سرحد ایران صادر و از یک سرحد دیگر وارد می شود.
- ۴ - برای صدور اجناس ذیل تصدیق صدور داده نشده ولی معافیت از نهد اسامی منوط با جازه مخصوص دولت خواهد بود.

۱ - مواد قلعی ۲ - محصولات شلات ۳ - تمبر پست و جوهرات باستانی قزویم ۴ - اشیاء عقیده.

و - در صورتیکه جنس صادره که برای آن تصدیق صدور داده شده است به مملکت عودت داده شود باید از طرف صادر کنند تصدیق صدوریه که برای آن جنس داده شده و یا تصدیق صدور دیگری بجز آن مبلغ معین در تصدیق صدور آن جنس مسترد شود اینگونه تصدیقهای صدور و نهدات اسامی مربوطه به آن باید باطل شود.

ز - سایر مقررات مربوطه به مال التجاره صدوریه بوجه نظامنامه که تصویب هیئت وزراء رسیده باشد معین می شود.

ماده هفتم - الف - کلیه صادر کنندگان با ششماه مواردی که مطابق مقررات قانونی معین شده باشد در موقع صدور اجناسی که در مقابل آن تصدیق صدور اخذ می شود مکلف می باشد نهدنامه بدهنده که بجز آن جنس صدوریه خود و بجز تاریخ تصدیق صدور اسامی خارجی که در بازار آزاد خارجی صادر شده می شود بدولت بفرستد ب - اینگونه نهدات در نسخی که عمده آن از طرف دولت معین می شود بوسیله گمرک گناهما که از آنها جنس صادر می شود قبل از دادن تصدیق صدور از خود صادر کننده و یا نمایندگی او اخذ خواهد شد و ادارت گمرک مکلف است بلا تأخیر نسخ مأخوذه مزبور را بهدوستانی که از طرف دولت معین میشود ارسال دارد.

ج - در صورتی که صادر کننده در موقع صدور جنس خود و یا قبل از صدور آن معادل قیمت آن اسامی خارجی که در بازار ایران تحصیل نشده باشد بدولت فروخته و یا بفروشد از دادن نهد اسامی معاف خواهد بود در اینگونه موارد تصدیق صدور از تاریخ صدور جنس تا ششماه دارای اعتبار خواهد بود همچنین در صورتی که فروشنده اجناس خود دولت باشد و قیمت آن با اسامی خارجی که در بازار ایران تحصیل قبده باشد بدولت تأدیبه شود صادر کننده از نهد اسامی معاف خواهد بود.

د - هر صادر کننده مکلف است بهر مدت بدست آمدن اسامی خارجی حاصله از صادرات آن اسامی را مطابق نهد اسامی خود بدولت بفروشد ولی در هر حال مدت انجام نهد اسامی از یکسال نباید تجاوز نماید.

انجام شدن نهد اسامی در خود تصدیق صدور که بر طبق آن نهد اسامی به عمل آمده است از طرف دولت و یا بانکهایی که از طرف دولت مأموور خرید و فروش اسامی دولتی باشند قید شده و نهد نامهای اسامی مربوطه



بآنها نیز مـتـزد خواهد شد و فقط پس از آن تصدیقهای صدور مزبور دارای اعتبار خواهند بود.  
۵ - در صورتیکه صادر کننده بتواند بفروش نرسیدن جنس خود را با اسناد وثیقه قابل قبول برای دولت ثابت نماید دولت میتواند مهلت متناسبی برای انجام نمود اسامی صادر کننده بدهد همچنین دولت میتواند در موارد مخصوصه صادر کنندگان را از نمود اسامی معاف نماید.

۶ - کلیه اسامی حاصله از صادرات که بدولت فروخته میشود از طرف دولت و یا از طرف بانکهای که عامل دولت باشند در جاهایی مخصوص نگاه داشته شده و در ظرف سنه اقتصادی که صادرات مربوطه به آن است اسامی حاصله از صادرات عمومی مطابق مقررات قمره ج و ماده ۸ و صدی پنجاه اسامی حاصله از صدور عمولان انحصاری بصرف وارداتی که جواز ورود آنها بر طبق تصدیقهای صدوریه که نمود اسامی ناشی از آن انجام شده باشد بهیزان مبلغ معینه در جواز ورود باید برسد فروش اسامی بر طبق جوازهای ورودیه که تصدیق صدور مربوطه بآنها حاکی از انجام نمود اسامی ناشیه از صادرات نباشد از محل اسامی حاصله از تهنهات اسامی که مطابق این قانون حاصل میشود ممنوع است.

۷ - در پنج اسامی حاصله از صادرات عمومی برای احتیاجات متنیق مملکت تخصیص داده میشود مازاد اسامی حاصله از صادرات در آخر هر سال اقتصادی باختیار دولت کنارده میشود و اسامی مزبور و مازاد صدی پنجاه اسامی اجناس انحصاری در مرحله اول برای احتیاجات توسعه صنایع مملکتی که از طرف دولت و یا مردم بعمل می آید تخصیص داده میشود و اگر مازادی از اسامی مزبور باقی ماند بصرف تشکیل ذخیره تثبیت نرخ اسامی خواهد رسید.

تصریح - اسامی که برای جوازهای ورود صادره در ظرف آن سنه اقتصادی لازم باشد از محل اسامی که باختیار دولت کنارده میشود باید تأدیبه شود.

۸ - فروش اسامی حاصله از صادرات بغیر دولت و یا بانکهای که عامل دولت باشند ممنوع بوده و مرتکبین مورد مجازات معینه در این قانون خواهند شد.

۹ - قیمت اسامی که از بابت صادرات بدولت فروخته میشود باید از طرف دولت و یا بانکهای عامل دولت نقداً صاحبان آنها تأدیبه شود.

۱۰ - نمود اسامی با وارد نمودن اجناس خارجی مرتفع نمیکردد.

۱۱ - در صورتیکه کسی بیش از نمود اسامی خود اسامی از بابت صادرات خود بدولت بفروشد بهیزان اضافه اسامی که فروخته است تصدیق اخذ تصدیق صدور خواهد داشت.

۱۲ - اسامی که فروخته شده در مقابل تصدیق فروش اضافه اسامی اداره کل تجارت صادر خواهد نمود در آن تصدیق صدور فروخته شدن اسامی اضافی و مددک آن فروش را ذکر خواهد نمود.

۱۳ - برای خرید و فروش اسامی حاصله از صادرات از طرف دولت نرخ رسمی بر قرار خواهد کردید در همان حال بدولت اجازه داده می شود که خرید و فروش و سایر معاملات کلیه اسامی را در مملکت در مواقع مقتضی تحت نظارت و نظارت خود قرار داده و برای آن نرخ رسمی معین نماید. نرخ رسمی و سایر شروط خرید و فروش اسامی خارجی و الزامات و تهنهات بانکهای عامل دولت از حیث عدم استتکاف از فروش اسامی که ابوالجمع آنها است

و نگاهداشتهن صاحبان-ای مخصوصی برای اسامی حاصله از صادرات و فروش اسامی مزبور از بابت واردات و احتیاجات صنعتی و دولتی و اطلاع دادن میزان و نرخ خرید و فروش اسامی مزبور و دادن صورت اشخاصی که تهنهات اسامی خود را چه از بابت صادرات و چه از بابت استرداد اسامی که برای واردات خریده باشند انجام داده باشند و سایر وظایف مربوطه از طرف دولت معین خواهد شد.

۱ - اسامی خارجی که از صادر نمودن محصولات ایران تحصیل نشده باشد و مخصوصاً اسامی که در بازار ایران تحصیل شده باشد اعم از اینکه به شکل چک یا برات صادره از بانکهای که در داخله ایران کار میکنند و یا به شکل چک و برات صادره و یا ظاهر نویس شده از طرف کلیه افراد مقیم ایران باشد میتوان اسامی حاصله از صادرات قبول نخواهد شد و فروش اینگونه اسامی نمود اسامی کسی را از بابت صادرات زائل نخواهد نمود.

ماده هشتم:

الف - دولت مکلف است پس از اعلان مهیبه های مذکور در ماده ۳ و موضوع نمودن مهیبه از اجناس مزبور که ورود آن برخلاف قراردادهای مخصوصی باید بعمل آید حق وارد نمودن بقیه اجناس مهیبه را بوسیله جواز های ورودی بانخاص یا مؤسسات مختلفه تجاری و آنگار نماید.

ب - برای تحصیل جواز ورود هر درخواست کننده باید درخواست کتبی یا ذکر نوع و میزان و مبلغ اجناس ورودیه و مملکت مبدأ و کمرکخانه که از آن اجناس وارد خواهد شد و اسم و شهرت درخواست کننده و مدعی که در آن جنس وارد خواهد شد و سایر توضیحاتیکه از طرف اداره کل تجارت معین خواهد کردید بپاره مزبوره بدهد باینستثنای مواردیکه در این قانون معین شده درخواست کننده باید معادل قیمت جنس موضوع درخواست تصدیق صدوریه که نمود اسامی ناشی از آن انجام شده باشد بدرخواست خود ضمیمه نماید و الا با درخواست او ترتیب اثر داده نخواهد شد در غیر موارد مستثنیه دادن جواز ورود باینستثنای تصدیقهای صدوریه که تهنهات اسامی ناشیه از آنها انجام شده باشد ممنوع است

ج - اداره کل تجارت مکلف است با مراعات شرایط مقررده قانونی بهیزان صدی نود و پنج مبلغ تصدیق صدوریه که نمود اسامی آن انجام شده باشد جواز ورود بدرخواست کننده بدهد در جواز اطلاعات مذکورده در قمره (ب) این ماده و توضیح باینکه جواز ورود بر طبق تصدیق صدوریه که نمود اسامی آن انجام شده است باید ذکر شود همچنین در جواز مدت اعتبار آن که متناسب بامدتی که برای وارد کردن جنس لازم است خواهد بود باید ذکر شود

د - در ظرف مدت مزبور گیرنده جواز مکلف بوارد نمودن جنس موضوع جواز خواهد بود و الا باید اسامی را که برای وارد نمودن جنس خود از دولت و یا بانکهای مجاز خریده است با خرج معمهولی بانک بفروشد مـتـزد نماید. در مراحل مدت اعتبار جواز از هشت ماه نباید تجاوز نماید در جواز های مذکور تهنهات وارد کنندگان از قبیل عدم احتکاز و فروش جنس بقیمت علاوه و تهنهش نکردن در فروش و ابطال آن معین خواهد کردید.

ه - دولت و یا بانکهای عامل دولت مکلف میباشدند که در مقابل اینگونه جوارها اسامی معینه در آپارها صاحبان جواز بفروشند.

و - جوازهای ورود اسمی بوده و بدیگری قابل انتقال نخواهد بود.

ز - در موارد ذیل میتوان جواز ورود بدون اخذ قبلی تصدیق صدور داد.

اولاً - در مواقعی که دولت بر طبق مفاد املائی مقررات مخصوصی را برای واردات و صادرات قبول نموده باشد.

ثانیاً - در صورتیکه درخواست کننده جواز تمدد بانکی بدهد که ناشی از بعد از صدور جواز اگر تصدیق سموری که تمدد اسماری ناشیه از آن انجام شده باشد بداره کل تجارت نداد ممالک قیمت جنس ورودی خود اسمار خارجی بدلت فروشد.

ز - سایر شرایط مربوط به دادن جواز ورود و طرز تقسیم جنس و میزان آن که ممکن است دلفاً پانچاس و مؤسست مختلفه داده شود بر طبق نظامنامه که بتسویب هیئت دولت رسیده باشد همین خواهد گردید ماده پنجم:

الف) گمرکخانه های ورودی مکلف میباشند ادر وقوع خروج اجناس ورودی از گمرک بداخله ممالک قیمت آن اجناس را بدقت مطابق نرخ عمده فروشی بازار دفتر ورود تعیین نموده و معادل آن جواز ورود دریافت دارند. جوازهای ورود مزبور از طرف اداره گمرک باطل شده و برای اداره کل تجارت باید ارسال شود.

هرگاه در محل دفتر ورود بازار عمده فروشی نباشد قیمت نزدیکترین بازار عمده فروشی آن جنس مأخذ تقویم واقع خواهد شد.

حقوق و عوارض گمرکی و کرایه از سرحد تا محل دفتر ورود از قیمت عمده فروشی کسر میشود.

ب) در صورتیکه اجناس بطور عمده فروشی در سرحد فروش برسد قیمت عمده فروشی بانظور دولت منتهت وخصری اساس تقویم خواهد بود.

سایر مقررات مربوط به تقویم و واردات بهوجب نظامنامه که به تصویب هیئت وزراء رسیده باشد تنظیم می شود.

ج - گمرکخانه های ورودی مکلف میباشند که بر حسب نظامی وارد کننده جنس بلا تاخیر تصدیق ورود جنس مزبور را با تعیین قیمت تقویم و ذکر جواز ورودی که به اعتبار آن جنس وارد شده است به مشارالیه بدهند.

د) تصدیقاتی ورود مذكور تمدد استرداد اسمار خریداری شده از دولت و یا بانهای عامل دولت را برای وارد نمودن اجناس زایل مینماید.

ه) وارد نمودن اجناسیکه در سهمیه ها ذکر نشده باشد بوسیله اشخاص و مؤسست مختلفه به گمرک و قبول کردن اجناس مزبور از طرف گمرک بدون اجازه دولت ممنوع است.

و) وارد کردن اجناس ذیل محتاج به ارائه جواز ورود میباشد.

۱ - اشیا نیکه بطور ترازیت و یا کاپوزاف وارد میشود.

۲ - اسباب سفر و اثاثیه شخصی مسافرن.

۳ - طلا و نقره بشکل شمش و خاک و مسکوک

۴ - روزنامهجات و مجلات و کفالت و امتثال آن.

ذ) برای اجناسیکه بعنوان هدیه و سوغت و یا نمونه و یادکلام وارد میشود در حدود نظامات مقرر از طرف دولت و بشرط صدور اجازت مخصوص دولت در هر مورد جواز ورود بدون اخذ تصدیق صدور داده خواهد شد.

ح) دولت میتواند ساخته شدن اجناس ورودی را بطور خاص و یا بسته شدن آنها را بشکل مخصوص شرط ورود قرار دهد.

ماده دهم - وارد نمودن هریک از اجناس خارجی بنگاه ایران علاوه بر اجرای مقررات انحصار تجارت خارجی مشروط به تودیه حقوق و عوارضی که در موقع ورود اخذ میشود روی اساس پول طلا خواهد بود حقوق و عوارض سموری نیز روی همین اساس اخذ میشود.

ماده نهم:

الف) کابیه اجناسیکه برخلاف مقررات این قانون وارد ممالک بشود قانچاق محسوب و بتبع دولت ضبط و فروخته میشود و مرتکبین به جیس از ششماه الی یکسال محکوم خواهند شد.

ب) کابیه ممالک اسمار خارجی که برخلاف مقررات این قانون بهمل آید قانچاق محسوب شده و مرتکبین مجرم و شرکاء و معاونین) بطور تضامنی بپرداخت جریمه معادل یک برابر موضوع معامله محکوم بوده و ببالاوه ممکن است از حبس یکماه الی یکسال محکوم گردند.

ج) اشخاصیکه تعهدات سموری و تعهدات اسماری خود را در مدت مینه انجام ندهند و از طرف دولت مهلت و یا ممانعت نسبت به تعهدات اسماری آنها داده نشود همچنین اشخاصیکه اسمار خریداری شده برای واردات را در صورت وارد نمودن جنس در موقع مینه مسترد ندارند علاوه بر اجرای تمدد خود محکوم بتادیه تاخیر مبلغ تعهدی خود به پول ایران بشنواں جریمه خواهند شد.

تیسره - در صورت ۴-۴ ماده تادیه جرائم مذكور در فقرات (ب) و (ج) این ماده و عدم امکان اخذ آن از مجرمین مشارالیهم به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهند شد.

د) مامورین دولتی که برخلاف مقررات این قانون تصدیق صدور و یا جواز ورود و یا تصدیق ورود بدهند و یا اعال تجارت سموری و ورودی را بر خلاف مقررات قانونی تقویم نمایند و همچنین مامورینیکه بدون اجازه ورود و یا اجازه مخصوص دولت اجازه خروج اجناس را از گمرکخانه برای ورود به ممالک بدهند و بلاز صادر کنندگان در موقع صدور جنس تمدد اسمار خارجی بگیرند (در صورتیکه از تمدد اسمار خارجی معاف نباشند) مجیس از یکسال تا پنجسال محکوم خواهند شد و ببالاوه از خدمات دولتی بطور دائم مفضل میشوند.

ه) اشخاصیکه تصدیق صدور و جواز ورود و تصدیق ورود جعل نمایند و یا اسناد مزبور را که باید باطل شود دوباره بچرباقت بیندازند و یا از نسخ متدده اسناد مزبور بخواهند چکاگانه استفاده نمایند به مجازاتهای مینه برای جعل اسناد رسمی محکوم میشوند.

در صورتیکه مرتکبین منتهدین دولت باشند مجازات بیشتر خواهند شد.

و) اشخاصیکه با گرفتن رشوه بر خلاف یکی از مقررات این قانون عمل کرده مرتکب ارتشاء بشود بجهت اکثر مجازات مقرر برای مرتئی محکوم خواهند شد.

ز) بکشتن ممالک اسمار خارجی و تخلفات از این قانون صدی سی از جرائم مأخوذه اجازه پرداخته خواهد شد.

ماده دوازدهم - این قانون بلافاصله پس از تصویب و وقوع اجرا گذاشته میشود و ادارات مربوطه دولتی، آموز  
 اجرای آن میباشند و کلیه قوانین و مقرراتی که تا بحال نسبت بانحصار تجارت خارجی وضع شده و مخالف این قانون باشد  
 از درجه اعتبار ساقط است.

این قانون که مشتمل بر دوازده ماده است در جلسه نوزدهم تیر ماه یکهزار و سیصد و بازده شمسی بتصویب  
 مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - یادکر